

در مساجد ایران «نقشه سبک بدوی عرب» وجود ندارد

دکتر عباس زمانی
استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تهران

نمود لشکریان تازی که ایران را فتح و اشغال نمودند بناهای مذهبی به طریقه سبک خویش در آن بنیاد نهادند که چیزی از آنها باقی نمانده و به وسیله مورخین زمان خلافت عباسیان معلوم است که نخستین خلفای دودمان مزبور مساجد بزرگی در شهرهای عمده کشور ایجاد نمودند. یکی از این مساجد بدون شك تاریخانه دماغان می باشد.^۳

پروفسور گدار در کتاب «هنر ایران» خود که در فوریه ۱۹۶۲ میلادی در پاریس نوشته و در اسفند ۱۳۴۵ در تهران ترجمه گردیده نظر تقریباً سی سال قبل خود را تأیید و اظهار نموده است: «... مساجد ایران طبعاً به دودسته تقسیم میشوند: یک دسته ابنیه کمی هستند که طرح نقشه آنها همان طرح مسجد اعراب بدوی است، دسته دیگر عبارت از ساختمانهای خالص ایرانی است»^۴. وی قبل از این اظهار در همین کتاب مقصود از ساختمانهای خالص ایرانی را به این ترتیب بیان کرده است: «در حقیقت ما از معماری ایرانی از منته اولیه اسلام مشهودات کمی داریم و فقط معدودی از آثار آن را دیده ایم، برعکس بسیاری از ابنیه دوره ساسانی و همچنین دوره سلجوقی را می شناسیم. این دودسته با یکدیگر تفاوتی ندارند مگر بر حسب آنچه اسلام به آن افزوده است، پس به آسانی می توانیم فکر آبنیه متعلق بفاصله این دو دوره را بصورتی که بوده اند تصور کنیم»^۵.

ب - از نوشته دکتر ج. کریستی ویلسن: «در ایران چندین قسم مسجد ساخته شد. قسم اول و عمده آنهائی است که از روی اسلوب عرب ساخته شده و بهمین اسم موسوم است و آن عبارت است از صحن مستطیلی که یک سلسله طاقهائی در اطراف دارد و دهلیز هائی که در عقب طاقهائی روبه قبله می باشد عمیق تر

پروفسور آندره گدار فرانسوی در جزوه دوم جلد اول آثار ایران، نشریه اداره باستانشناسی، مساجد ایران را به دو دسته تقسیم کرده است:

اول مساجدی که دارای نقشه سبک بدوی عرب است. دوم مساجدی که دارای سبک ایرانی خالص است.^۱ و پس از پروفسور گدار چند تن دیگر از دانشمندان نیز تقسیم بندی ایشان را، صریحاً یا تلویحاً پذیرفته اند.^۲ چون به نظر نگارنده تفکیک بنای مساجد ایران به نحوی که پروفسور گدار اظهار داشته مورد تردید و مغایر تداوم مسلم روشهای ملی است، برای روشن شدن نحوه و منشاء احتمالی این تقسیم بندی، با نقل خلاصه نوشته بعضی از دانشمندان، توضیحاتی به اطلاع میرساند.

الف - از نوشته پروفسور گدار: «از سابق این قسمت مورد قبول واقع بود که تازیان عناصر متشکله یک مسجد از قبیل محراب و منبر و مناره و امثال آن را به ایران داده اند و همچنین در این نکته موافقت داشتند که طریقه استفاده از آنها را در ساختمان یعنی نقشه مسجد بدوی تازی را که «نقشه نمونه مساجد اولیه» نامیده میشود نیز اعراب به ایران آورده اند و در نتیجه پیروی این روش عمومی کلیه معابد قدیمی ایران جزء مساجد عرب بشمار آمد. ولی امروزه برخلاف زمان سابق بررسی و دقت در بناهایی که در ردیف مساجد نامبرده شناخته شده به آسانی صورت پذیر می باشد. مساجد مزبور به دودسته تقسیم میشود و این دودسته از حیث اهمیت یکسان نیست، یک دسته شامل عده قلیل ابنیه ای است که نقشه آن همان نقشه سبک بدوی عرب با مشتقات آنست و دسته دیگر مساجد ایرانی خالص است. تاریخ دسته اول روشن اما نسبتاً کوتاه است، می توان تصور

است. قسم دیگر عبارتست از ایوان بزرگ هلالی شکلی که در طرف جلو کاملاً باز و در قسمت جنوب محرابی داشت. کمی بعد اطاق مربع شکلی که دارای گنبد بود جزء نقشه مسجد گردید. . . . از روی منابع تاریخی معلوم میشود که در قرون اولیه اسلام صدها مساجد عالی در ایران ساخته شده بود. بطوریکه مورخین نوشته‌اند سقف بعضی از مساجد بوسیله ستونهای چوبی نگاهداشته میشد و برخی با ستونهای سنگی. . . . قدیمترین مسجدی که تا کنون بخوبی مانده تاریخانه دامغان است. . . . اهمیت تاریخانه نه تنها بواسطه آنست که بسبب عربی ساخته شده بلکه برای آنست که بسیاری از اسلوب ساختمانی ساسانی را نیز در بر دارد.^۶

ج - از نوشته پرفسور رمان گیرشمن: « . . . وقتی اعراب بین النهرین را در تصرف خود درآوردند در شهر کوفه و بصره نیز مسجدهائی ساختند. مسجد کوفه در تاریخ ۶۳۹ میلادی ساخته شد و نخستین مسجدی بود که در خارج عربستان بنا میشد. طرح این مسجد مربع بوده و تالار ستوندار آن از یک طرف شش ردیف ستون سنگی و از طرف دیگر ۱۹ ردیف ستون سنگی داشت و این ستونها را از حیره به کوفه آورده بودند. . . . ما اطلاعی نداریم که مسجد شوش در چه تاریخ برپا شده ولی آنچه که مسلم است نقشه و طرح آن بسیار نزدیک به نقشه و طرح اولین مساجد عربی بوده است»^۷.

د - از نوشته استاد علی نقی وزیری: «در سه قرن اول عهد اسلامی، مسلمانان ایران چهارطاقی و معابد منظم به آن را خراب کرده بجای آن مساجدی شبیه به مسجد مدینه بنا نمودند. این مساجد چنانکه در صفحات پیش دیدیم عبارت بود از یک صحن که سمت قبله آن تالار ستوندار قرار گرفته بود. در سه طرف دیگر صحن سه رواق و یا زیرطاقیهای ستون‌داری بنا کرده بودند و در میان حیاط حوضی داشت. نمونه‌ای از اینگونه که بدون شك در بیشتر شهرهای بزرگ ایران در قرون اولیه اسلامی بنا گردیده است در شهر ری بوسیله دکتر اربک شمیدت در ۱۹۳۵ کشف گردید ولی احتمالاً بقیه آن مساجد بکلی خراب شده و بجای آن مساجد چهار ایوانی بسبب ایران ساخته شده است»^۸.

ه - از نوشته پرفسور ارنست کونل: «مراکز اجتماع مذهبی مسلمانان در ابتدا هدفی غیر از این نداشت که برای دستجات کوچک و بزرگ حفاظی در مقابل تغییرات شدید جوی بهنگام نماز جماعت باشد. گزاردن نماز با حرکات منظمی در ردیفهای یکسان انجام می‌گرفت و خصوصیات سربازی چنین عبادتی، می‌بایستی در موقع تقسیم‌بندی مکان مراعات میشد. علاوه بر این می‌بایستی حوضی بزرگ برای شستشو و وضو گرفتن موجود باشد و تمام بنا و متعلقاتش در جهت قبله قرار گیرد. این احتیاجات عملی کاملاً با نمونه قدیمی تمام مساجد متداول زمان که دارای

یک صحن و یک حرم بود، مطابقت داشت. امکان دارد خاطراتی که اعراب از منازل قدیمی خود داشته‌اند و مراکری که در ادوار پیش از اسلام بنام مصلی جهت عبادت ساخته بودند، در ساختن بناهایی به این شکل مؤثر بوده باشد. اولین بناهایی که باین طریق ساخته شد بسیار حقیر بود و از دیواری گلی و چند تنه درخت خرما تشکیل میشد که سقف آنها را بوسیله شاخه‌های درخت خرما پوشانده بودند»^۹.

و - مستخرج از نشریه شماره ۲۲ کمسیون ملی یونسکو در ایران: «شاید در همان اوقات یعنی قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) باشد که مسجد معروف تاریخانه (Tari-khané) دامغان بتقلید از نقشه یک مسجد عربی ساخته شد یعنی ساختمانی که متشکل از یک حیاط احاطه شده از رواقهای سرپوشیده است. یکی از بدنه‌های این ساختمان که بسمت قبله (مکه) متوجه است دارای نماهای اضافی بوده که بدین طریق مکان بیشتری برای مردمی که در آنجا تجمع می‌کردند فراهم می‌نمود. هم‌چنین مساجد دیگری بسبب عربی در ایران ساخته شد که بکلی از بین رفته است»^{۱۰}.

ز - از نوشته استاد دکتر عیسی بهنام: «در تاریخ ۴۸۰ هجری ملکشاه برای اولین بار طرح مسجد چهار ایوانی را ریخت و مسجد جامع اصفهان نخستین مسجدی بود که بین ۴۸۰ تا ۵۱۷ هجری از صورت مسجد عربی (طرح سامره) به صورت مسجد چهار ایوانی درآمد و پس از آن مساجد اردستان و گلپایگان و مسجد «خمار تاش» در قرزوبن و مدرسه حیدریه در همان شهر به مساجد چهار ایوانی مبدل گشتند. حتی در تاریخ ۵۳۰ هجری در شهر «زواره» مسجدی از ابتدا بصورت چهار ایوانی ساخته شد و پس از آن در زمان ایلخانیان در ورامین و در زمان صفویه

- ۱ - پرفسور آندره گدار، آثار ایران، ترجمه سید محمد تقی مصطفوی، ۱۳۱۶ خورشیدی، ص ۹۸ تا ۱۰۰.
- ۲ - به صفحات بعد مراجعه شود.
- ۳ - ایضاً آثار ایران، ص ۹۹.
- ۴ - هنر ایران، تألیف پرفسور آندره گدار، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، تهران ۱۳۴۵، ص ۳۷۴.
- ۵ - ایضاً همان کتاب و همان صفحه.
- ۶ - تاریخ صنایع ایران، تألیف دکتر ج. کریستی ویلسن، ترجمه عبدالله فریار، ۱۳۱۷، ص ۱۳۳ - ۱۳۵.
- ۷ - مساجد ایران در دوره اسلامی، از دکتر عیسی بهنام، از شماره ۵ سال سوم مجله بررسی‌های تاریخی، ص ۷۴/۴ و ۷۷/۷.
- ۸ - تاریخ عمومی هنرهای مصور، جلد دوم، تألیف علینقی وزیری، تهران ۱۳۴۰، ص ۲۳۲.
- ۹ - هنر اسلامی، تألیف پرفسور ارنست کونل، ترجمه مهندس هوشنگ ظاهری، تهران ۱۳۴۷، ص ۱۲ و ۱۳.
- ۱۰ - ایران‌شهر، جلد اول، تهران ۱۳۴۲ هجری شمسی، چاپخانه دانشگاه، ص ۸۲۷ و ۸۲۸.

در اصفهان و دیگر شهرهای ایران تمام مساجد بصورت چهار ایوانی ساخته شدند و طرح عربی یا طرح شبیه به مسجد جامع سامره بکلی منسوخ شد»^{۱۱}.

ح - از نوشته استاد سید محمد تقی مصطفوی: «مساجد اولیه دارای طرح و نقشه بسیار ساده و بی تکلفی بود بدین معنی که محوطه مسجد به وسیله دیوارهای خشتی محصور گشته و سایبانهایی با پوشش مسطح که بطور کلی از چوب و حصیر تشکیل می یافت در جانب قبله و احیاناً در جوانب دیگر آن بر فراز پایه های خشتی یا آجری احداث می گردید و بدیهی است که این ترتیب با زندگانی و محیط سرزمین عربستان متناسب بود و طبعاً وضع کشور ایران که تا آن زمان در حدود دوهزار سال پیشینه معماری داشت و آثاری را که اجمالاً در سه فصل گذشته نام بردیم دارا شده بود، با چنین معماری بدوی هم آهنگی و سازگاری نداشت»^{۱۲}.

از مجموع نوشته های دانشمندان مذکور نتایج ذیل استخراج می گردد:

۱ - عنصر مورد نظر آنان که بر طبق سبک عرب، در مساجد اولیه ایران، صورت گرفته نقشه (پلان) بنا است گو اینکه کلمات مختلفی چون نقشه و طرح، سبک، اسلوب، طریق، صورت، طرح شبیه مسجد سامره، معماری بدوی و غیره استعمال شده و احیاناً مربوط به ترجمه از زبانهای اروپائی به فارسی می باشد.

۲ - نقشه ای که منسوب به سبک عرب شده شامل:

یک حیاط مربع یا مستطیل در داخل.

یک تالار ستوندار در سمت قبله.

یک یا چند ردیف رواق در سه سمت دیگر.

بوده و از حوض وسط و متعلقات نیز یاد شده است گو اینکه عبارات مختلفی چون صحن و طاقها و دهلیزها، تالار ستوندار، صحن و رواق و زیر طاقی ستوندار، صحن و حرم، حیاط احاطه شده از رواقهای سرپوشیده، محوطه و سایبانها و غیره بکار رفته است.

۳ - تاریخانه دامغان نمونه نسبتاً سالم دارای نقشه سبک عرب معرفی شده و از مساجد مدینه، بصره، کوفه، ری، سامره و ابودلف نام برده شده و گاهی عدد این نوع مساجد ایران «صدها» نوشته شده است.

۴ - دوره رواج مساجد دارای نقشه سبک عرب توسط پرفسور گدار بین دو دوره ساسانی و سلجوقی، تقریباً چهار قرن اول هجری، اظهار شده و توسط بعضی دانشمندان دیگر قرون اولیه اسلامی، سه قرن اول عهد اسلامی و غیره نیز ذکر شده است.

۵ - مساجد خالص ایرانی با بناهای ساسانی «مگر آنچه اسلام به آن افزوده است» تفاوتی نداشته و عبارت از ایوان

بزرگ هلالی شکل و اطاق مربع، مساجد چهار ایوانی و ابنیه دوره سلجوقی بوده است.

۶ - محراب و منبر و مناره را تازیان به ایران داده اند و مسلمانان ایران چهارطاقی و معابد منضم به آن را خراب کرده بجای آن مساجدی شبیه به مسجد مدینه بنا نمودند.

۷ - دانشمندان مذکور مشخصات بنائی را که در قبل از اسلام توسط اعراب ساخته شده و سرمشق مساجد «دارای نقشه سبک بدوی عرب» واقع گردیده معین نکرده اند بلکه در ضمن عباراتی چون: از قدیم این قسمت مورد قبول بود، و همین در این نکته موافقت داشتند، می توان تصور نمود، همین اسم موسوم است، امکان دارد و نظائر آن، آن نقشه را اظهار کرده اند و هر چند با توجه به همین قسمت از نتایج استخراج شده تردید نگارنده روشن می گردد ولی برای ایضاح بیشتر به بررسی سه مطلب مبادرت میشود:

چگونگی مساجد مدینه، کوفه و تاریخانه دامغان و منشأهای آنها.

چگونگی مساجدی که به عنوان «سبک ایرانی خالص» ذکر شده است.

چگونگی تذکر بعضی از دانشمندان درباره محراب و منبر و مناره و غیره.

مسجد مدینه - این مسجد در ابتدا فضای بازی بوده که اطراف آن با دیوارهای خشتی محصور شده و بعداً طاق آن با شاخه های درخت خرما و گل، در روی تنه های درخت خرما، قرار داده شد^{۱۳} و به قول پرفسور گدار یک طرف آن را انبارمانندی اشغال داشت^{۱۴}.

این مسجد در حیات پیغمبر اکرم (ص) و زمان خلافت عمرو عثمان و در عهد خلفای اموی از جمله ولید بن عبدالملک (۹۶ - ۸۵ هجری) توسعه و تعمیر یافت^{۱۵} و در آن موقع یعنی حدود سال ۸۷ هجری دارای قسمتهای ذیل بود:

یک حیاط مستطیل در داخل.

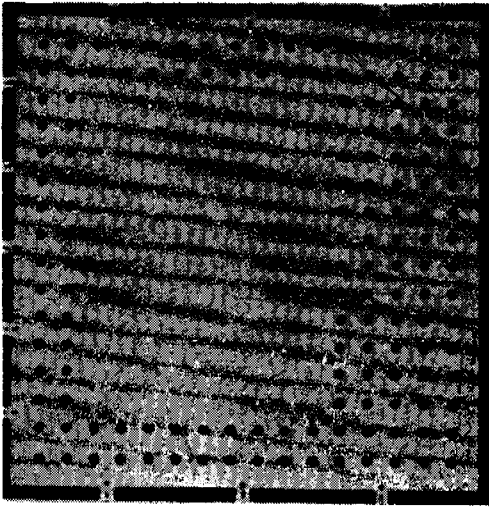
دو تالار ستوندار، هر یک مشتمل بر پنج ناو عرضی، در سمت قبله و مقابل آن.

سه ردیف رواق در سمت مشرق.

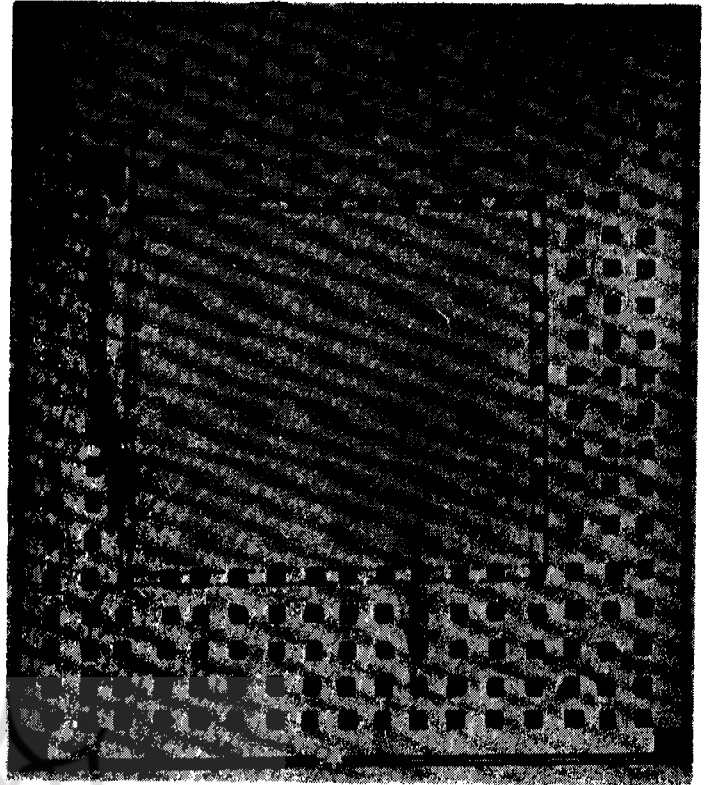
چهار ردیف رواق در سمت مغرب (شکل ۱).

مسجد مدینه مورد احترام همه مسلمانان بوده ولی نقشه ابتدائی آن، با وضع مختصر و نامشخص، نمی توانسته سرمشق مساجدی که دانشمندان دارای «نقشه سبک بدوی عرب» دانسته اند قرار گیرد. البته نقشه اموی آن نمونه مناسبی بوده ولی بطوریکه خواهیم دید قبل از سال ۸۷ هجری در بین النهرین، قلمرو سیاسی و هنری ساسانی، این نوع نقشه بکار رفته بود^{۱۶}.

مسجد کوفه - کوفه جانشین حیره، در جنوب بین النهرین، قلمرو و حوزه هنری ایران ساسانی، واقع است. مسجد این



شکل ۲ - پلان مسجد کوفه مورخ حدود ۴۰ هجری که در آغاز خلافت اموی و ۳۷ سال قبل از مسجد مدینه تجدید بنا شده است



شکل ۱ - پلان تقریبی مسجد مدینه که در حدود سال ۸۷ هجری توسط ولید بن عبدالملک اموی صورت گرفته است

عقب بوده و یک فضای باز داشته است. این مسجد وسیله زیاد حاکم خلیفه اول اموی، معاویه اول (۶۲ - ۴۱ هجری)، تغییر شکل یافت. او پلان معماران زردشتی را پذیرفت. این مسجد اولین هدیه قابل ملاحظه هنر ایرانی به معماری اسلامی و در عین حال، با توجه به دلایل موجود، اولین مسجد ستوندار با یک حیاط محاط در رواق است. چهره ستوندار

شهر در سال ۱۷ هجری در یک قطعه زمین، که در خندق محصور گردید، بنا شد و عبارت بود از یک عده ستون که از کاخ حکام لخمی حیره، رعایای ساسانی، آورده و نصب شده بود. سقف مسجد عبارت از شاخه های خرما و گل بود که در روی این ستونها قرار داشت و رویهم رفته فضای مسقف، که از همه طرف باز بود، تشکیل میداد^{۱۷}. این بنا به فرمان سعد فرمانده عرب و توسط روزبه بن بزرگمهر بن ساسان همدانی معمار ایرانی ساخته شد^{۱۸}.

مسجد کوفه در حدود ۶۶۰ میلادی (۴۰ هجری)، در آغاز خلافت اموی تجدید بنا گردید و در این موقع عبارت بود از: یک حیاط مستطیل در داخل. یک تالار ستوندار در سمت قبله.

دو ردیف رواق در سه سمت دیگر (شکل ۲).

سقف آن مسطح و چوبی بود و در روی ستونهای سنگی بدون قوس قرار داشت و یک در از جنوب به منزل حاکم وقت راه می داد. در تجدید بنا نیز یک معمار ایرانی کارهای ساختمانی را هدایت می کرد^{۱۹} (بر طبق حکایت صفحه ۴۳۲ «Encyclopédie de l'Islam» جلد سوم، پاریس، ۱۹۳۶، که متکی به نوشته طبری مورخ مشهور است، مسجد کوفه ابتدا عبارت از یک تالار پوشیده بدون جناحهای جنبی و ساختمان

۱۱ - مساجد ایران در دوره اسلامی از دکتر عیسی بهنام، از شماره ۵ سال سوم مجله بررسی های تاریخی، ص ۱۶/۸۶.
 ۱۲ - نگاهی به هنر معماری ایران، نوشته سید محمد تقی مصطفوی، تهران، آبان ۱۳۴۶.
 ۱۳ - تاریخ عرب، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز، ۱۳۴۴، ص ۳۳۲.
 ۱۴ - هنر ایران، اثر پرفسور گدار، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، تهران ۱۳۴۵، ص ۳۵۰.
 ۱۵ - J. Sauvaget, la Mosquée Omeyyade de Médine, Paris, 1947, p. 44 et 91 - 121.
 ۱۶ - به رفرانس شماره ۱۹ مراجعه شود.
 ۱۷ - A. Godard, L'art de l'Iran, Paris, 1962, p. 323.
 ۱۸ - ایران بعد از اسلام، تألیف عباس خلیلی، تهران ۱۳۳۵، ص ۲۱۷.
 ۱۹ - ایضاً ایران بعد از اسلام، ص ۲۱۸.

در تاریخ‌های مؤخر در تجدید بنای مسجد مدینه^{۳۰} و در تاریخانه دامغان، مسجد بزرگ سامره، مسجد ابودلف، مسجد جمعه نائین و غیره بعمل آمده است^{۳۱}.

ظاهراً این مسجد که ۱۶ سال بعد از مسجد ابتدائی مدینه و سه سال بعد از مسجد بصره^{۳۲} ساخته شده، می‌توانسته از دو مسجد مزبور الهام گیرد ولی با توجه به اینکه مسجد ابتدائی مدینه فقط در یک سمت حجره‌هایی بشکل انبار داشته^{۳۳} و مسجد بصره نیز ابتدا بطور ساده در روی قطعه زمینی، که با توده‌های نی محصور بود، مشخص بوده است^{۳۴}، تأثیر آن دو بنا در مسجد کوفه، که با خندقی محصور و در سمت قبله فضائی ستوندار و مسقف و از همه طرف باز داشته است، ضعیف است و دلایل تأثیر آن از سنتهای ایرانی قوی می‌باشد زیرا:

۱- توسط یک معمار ایرانی، در یک شهر پراز جمعیت ایرانی^{۳۵}، در قلمرو هنری ایرانی و با مصالح معمول در معماری ایرانی ساخته شده است.

۲- محصور در خندق بوده است و خندق سازی در معماری ساسانی، از جمله شهرهای فیروزآباد و بیشاپور، متداول

بوده است^{۳۶}.

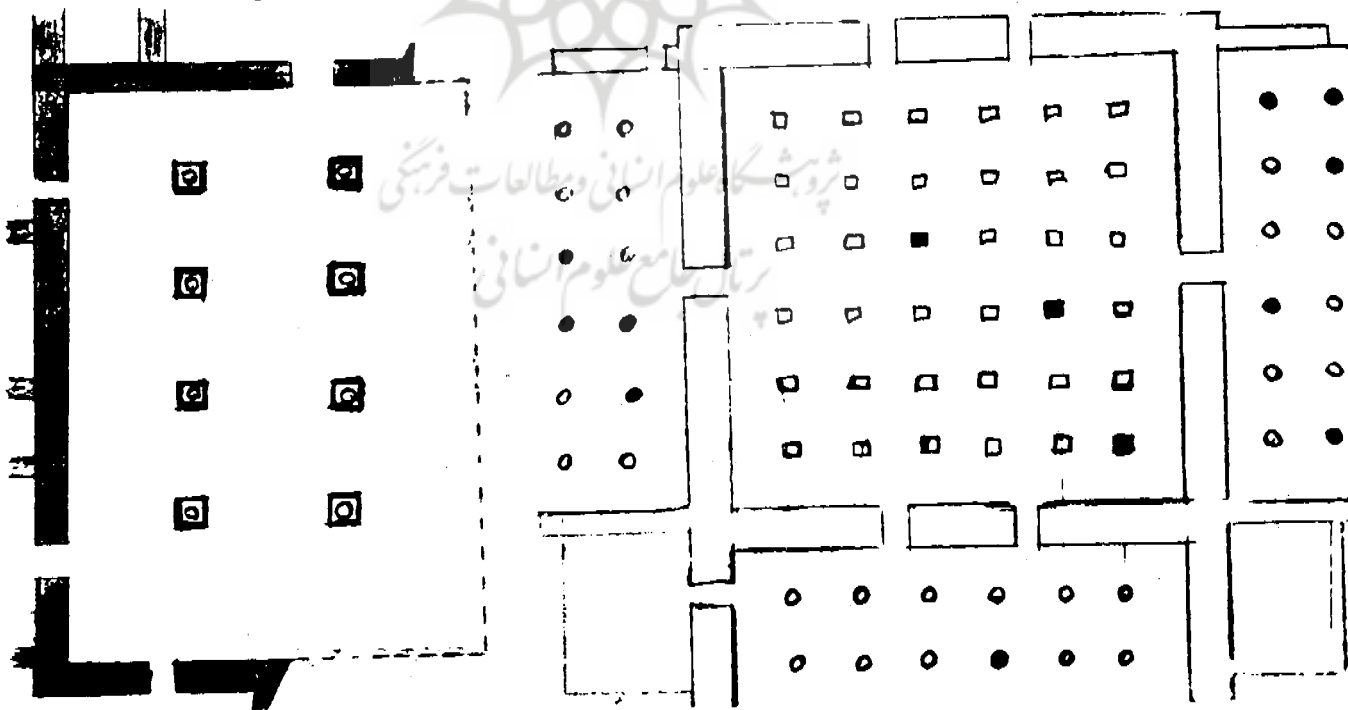
۳- در ابتدا با یک عده ستون مسقف و کاملاً باز به هوای آزاد ساخته شده و بناهای عهد ساسانی را بخاطر می‌آورده است.

۴- در تجدید بنا چهره ستوندار داشته و کارهای آن توسط یک معمار عهد ساسانی هدایت شده است. چهره ستوندار در معماری قبل از اسلام ایران فراوان بوده و نمونه‌های روشن آن در دوره هخامنشی، چون بازار گاد^{۳۸}، شوش^{۳۹}، تخت جمشید (شکل ۳)^{۴۰}، دیده میشود. قبل از آن نیز تالار ستوندار در ایران وجود داشته است. در کاوشهای آمریکائی انجام گرفته در حسنلوی آذربایجان، اخیراً یک قلعه از قرن نهم قبل از میلاد کشف شده است که در آن دو کاخ دارای تالار ستوندار (شکل ۴) وجود داشته است^{۴۱}. استعمال ستون در دوره ساسانی نیز فراوان بوده است و می‌توان کاخ دامغان^{۴۲}، قصر شیرین^{۴۳}، کاخ کیش^{۴۴}، را به عنوان مثال ذکر کرد. بعلاوه مسجد کوفه در ابتدای تأسیس از ستونهای کاخ حیره مربوط بدوره ساسانی استفاده کرده است.

۵- محل سکناي حاکم وقت در جنب بنای عمومی وقت،

شکل ۳- پلان تقریبی آبادانای تخت جمشید که دارای تالار و ایوانهای ستوندار است. می‌توان تالار ستوندار را معادل تالار ستوندار مسجد کوفه و ایوانهای ستوندار آن را معادل رواقهای سه طرف حیاط آن مسجد تصور نمود

شکل ۴- پلان تقریبی یکی از تالارهای ستوندار قلعه حسنلوی آذربایجان منسوب به قرن نهم قبل از میلاد



از طرح‌های عهد ساسانی است^{۳۵} و این طرح در اغلب کاخ‌های آن از جمله کاخ فیروزآباد^{۳۶}، کاخ تیسفون^{۳۷}، کاخ سروستان^{۳۸} و قصر شیرین^{۳۹} به چشم می‌خورد. حیاط داخل مسجد نیز از مدت‌ها قبل در شرق، قلمرو ساسانی، و هم‌چنین امپراطوری روم و بیزانس بکاررفته است. یک مثال بسیار روشن، کاخ آسور اشکانی (شکل ۵) در همین بین‌النهرین است^{۴۰}. این کاخ یک حیاط محاط در ایوان و سایر قسمت‌های ساختمانی بوده و حیاط کوچک رواق‌داری از ملحقات آن محسوب می‌شده است. در دوره ساسانی نیز حیاط کاخ‌های فیروزآباد، سروستان، قصر شیرین مثال‌های بارزی می‌باشد. استعمال رواق در تخت جمشید هخامنشی^{۴۱} و قصر شیرین ساسانی^{۴۲} نیز دیده می‌شود.

در مسجد کوفه می‌توانستند از نقشه روم و بیزانس نیز الهام بگیرند ولی چشم‌پوشی از نمونه‌های دم دست و مدنظر و انتخاب همان نمونه از نقاط دور دست منطقی بنظر نمی‌رسد و بهر حال، مادامی‌که مدارک روشنی بدست نیامده، نمی‌توان مسجد کوفه را دارای «نقشه سبک بدوی عرب» دانست.

تاریخانه دامغان - دامغان در کنار جاده تهران - مشهد واقع است و مسجد آن شهر که به «تاریخانه» مشهور است احتمالاً در اواسط قرن دوم هجری ساخته شده و وضع متوسطی دارد. این مسجد در جزء مساجد ستوندار است که یک قرن قبل در کوفه دیدیم و بعداً در سامره خواهیم دید^{۴۳}.

این مسجد عبارت از یک حیاط مربع است که در سمت قبله (جنوب) آن یک تالار ستوندار و در سه سمت دیگر آن یک ردیف رواق ساخته شده است (شکل ۶). تالار ستوندار آن دارای هفت ناوطولی، در جهت قبله و سه ناو عرضی است بنحوی که ناو وسطی که شامل محراب و منبر است عریض‌تر از ناوهای طرفین خود می‌باشد.

سقف تالار در روی ستونهای مدور آجری ساخته شده است (شکل ۷). ضلع آجرهای مربع ۳۴ و ضخامت آنها ۷۵ سانتی‌متر است که متناسباً افقی و عمودی رویهم قرار گرفته و ستون‌هایی به قطر ۱۶۰ متر می‌سازد. این ستونها در بالا سقف گهواره‌ای ناوها را، که در تمام ارتفاع باز و چون عده‌ای ایوان عمود بر حیاط است، تحمل می‌کند.

سقف رواق‌های سه طرف دیگر مسجد نیز گهواره‌ای است که رو به حیاط زده شده و در روی قوس‌های منکی به ستونها قرار گرفته است. این قوسها، که در بالای درگاه‌های طرفین ناوهای شستان و انتهای گهواره‌های آن نیز به چشم می‌خورد، تخم مرغی است ولی اندکی شکسته بنظر می‌رسد. این مسجد در شمال و مغرب دارای ملحقاتی بوده که از بین رفته است. سه در از ضلع غربی و پنج در از ضلع شمالی به این ملحقات، که فعلاً مخروبه است، راه میداده است.

در این مسجد آجر برای ستونها و قوس‌های پائین و خشت

برای سایر قسمت‌ها بکاررفته است و در سرستونهای نازک که پایه

۲۰ - به فرانس شماره ۱۵ مراجعه شود.

۲۱ - A. Godard, L'art de l'Iran, 1962, pp. 331, 332, 337 Fig. 204 et 206.

۲۲ - هنر ایران، اثر پرفسور آندره گدار، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، تهران ۱۳۴۵، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۲۳ - به صفحات قبل، مربوط به مسجد مدینه، مراجعه شود.

۲۴ - هنر ایران، اثر پرفسور گدار، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، تهران ۱۳۴۵، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۲۵ - Encyclopédie de l'Islam, T. II, 1924-27, p. 1170

به موجب نوشته این دایرةالمعارف اغلب ساکنین کوفه در اول اسلام ایرانی بوده‌اند. در این موقع بصره و کوفه هر یک حاکم خود را داشته ولی گاهی مرکز اداری بصره با کوفه یکی می‌شده است. کوفه اهمیت خاصی بدست می‌آورد و کم‌کم به همان اندازه اعراب جمعیت ایرانی زیاد می‌شد و صرف‌نظر از خانواده جنگجویان عرب، تجار، هنرکاران و اهل سایر رسته‌ها اغلب دارای اصالت ایرانی، در آن مستقر شدند.

۲۶ - عربها قبلاً خندق را نمی‌شناختند. در واقع خندق فکر و نظر سلمان فارسی موجب ایجاد خندق گردید. وقتی قبائل عرب بر جنگ پیغمبر تصمیم گرفتند و مسلمین طاقت دفاع را نداشتند سلمان چنین گفت: «ما در ایران اگر دچار حمله و هجوم سواران میشدیم گداگرد شهر را کنده مانع عبور اسب و چهارپایان می‌شدیم». پیغمبر فرمود که دور شهر را حفر کنند و آنرا خندق، معرب کنده، نامیدند؛ به کتاب «ایران بعد از اسلام» به قلم عباس خلیلی، جلد اول، تهران ۱۳۳۵، ص ۸ مراجعه شود.

۲۸ تا ۳۲ - Edith porada, Iran ancien, paris, 1967 p. 135, 149.

۳۳ و ۳۴ - A. U. Pope, A survey of Persian art, T. 1, 1938, p. 585.

۳۵ - مقصود از محل سکناى حاکم وقت دارالاماره کوفه است که خود مثال روشنی از تأثیر هنر ساسانی در هنر دوران اسلامی است. این بنا توسط سعد ابی وقاص سردار لشکر عرب و به فرمان عمر خلیفه دوم در مجاورت دیوار قبله مسجد کوفه انجام یافت (به کتاب هنر معماری در سرزمینهای اسلامی، نوشته ج. هوگ، ترجمه دکتر پرویز ورجاوند، تهران ۱۳۴۸، شکل شماره ۱ مراجعه شود). وقتی وصف این بنا را به عمر خلیفه دوم دادند متغیر گردید و حتی سعد را از حکمرانی کوفه منفصل ساخت و بنا را به آتش کشید زیرا سعد تمام مراسم شاهانه سلسله ساسانی را تقلید کرده بود و عمر تصور می‌کرد تقلید از جلال و شکوه دربار ساسانی سرانجام منجر به استقرار همان وضع در دارالخلافه خواهد شد (به کتاب ایران بعد از اسلام، بقلم عباس خلیلی، تهران ۱۳۳۵، ص ۲۱۸ مراجعه شود).

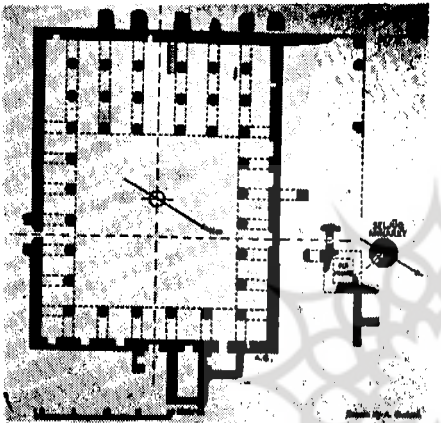
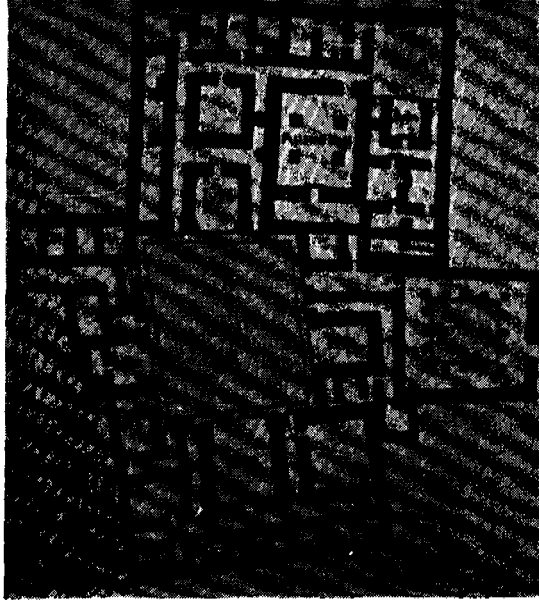
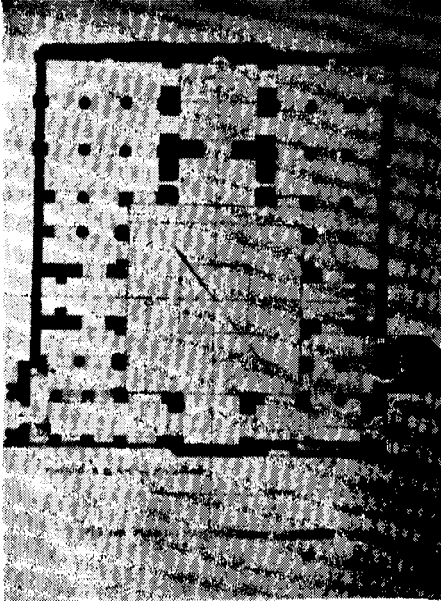
۳۶ تا ۳۸ - Idem. A Survey of Persian art, p. 535, 544, 536.

۳۹ - A. U. Pope, A Survey of Persian art, T. 1, p. 433

۴۰ و ۴۱ - A. U. Pope, A Survey of Persian art, T. 1, p. 433. Idem. p. 513, 541.

۴۲ - G. Masçais, L'art musulman, paris, 1962, p. 55

۶ الف



شکل ۵ - پلان کاخ آسور مربوط به دوره اشکانی که حیاط آن نمونه مناسبی برای حیاط مساجد بوده است

شکل ۶ - پلان تاریخخانه دامغان منسوب به اواسط قرن دوم هجری

شکل ۶ الف - پلان مسجد زواره مربوط به دوره سلجوقی که درزمره مساجد دارای «سبک ایرانی خالص» است ولی با پلان تاریخخانه دامغان تفاوت اساسی ندارد

جنبی آن برای شبستان و با ادامه ستونهای جنبی شبستان، که به این ترتیب حاصل میشود، درسه سمت دیگر برای ایجاد رواقها استفاده کند. این راه منطقی بنظر میرسد زیرا کاخ دامغان در همین شهر و زیر چشم معمار و ساکنین محل بوده است. ثانیاً راجع به رواقها یا درواق ایوانهای عمود بر حیاط، معمار می توانسته بهر یک از ایوانهای کنار حیاط بناهای ساسانی، چون ایوان کاخ سروستان و ایوانهای کاخ فیروزآباد و هم چنین کاخ دامغان توجه کند.

ثالثاً راجع به عریض بودن ناو مرکزی شبستان (تالار ستوندار) نسبت به ناوهای جنبی و تسلط آن بر آنها، ایوان سه قسمتی کاخ دامغان سرمشق روشنی بوده است.

رابعاً راجع به ملحقات می توانسته از اکثر بناهای ساسانی، که غالباً قسمت عمومی از قسمت اختصاصی آن جدا بوده است و در مورد مسجد کوفه یادآوری شد، الهام گیرد.

ب - از نظر فرم و مصالح. ناوهای شبستان و ایوانهای عمود بر حیاط این مسجد با گهواره هائی، که در بالای قوسهای تخم مرغی قرار داشته، پوشیده بوده و ستونهای مدور قوسها و گهوارهها را تحمل می کرده است.

اولاً سقف گهواره ای در دوره ساسانی و حتی قبل از آن،

قوسها را تحمل می کرده قطعات چوب استعمال شده و ستونها و قوسها و سقفها شامل یک پوشش نازک گچی بوده است.

این مسجد پلان و فرم و مصالح بناهای ایران قبل از اسلام را بیخاطر می آورد:

الف - از نظر پلان، این مسجد دارای یک حیاط رواقدار و یک تالار ستوندار و ملحقات است و ناو مرکزی شبستان عریض تر از ناوهای طرفین خود می باشد و رواقهای مسجد چون ایوانهایی که از پهلو بهم راه دارد بر حیاط آن عمود است.

اولاً راجع به حیاط و ملحقات آن در مورد مسجد کوفه صحبت و گفته شد که این نوع پلان از قدیم الایام در شرق متداول و در دوره هخامنشیان و ساسانیان مورد توجه بوده است. معمار تاریخخانه می توانسته به سه طریق عمل کند:

۱ - از مسجد کوفه، که از روشهای قبل از اسلام ایران ملهم است^{۴۳}، با حذف و تقلیل ستونها الهام بگیرد.

۲ - مستقیماً از پلان معمول در معماری اشکانی و ساسانی، مثلاً از کاخ اشکانی آسور یا کاخ ساسانی فیروزآباد، با تکرار ایوانهای موجود و یا از حیاط کوچک رواقدار کاخ آسور و حیاط رواقدار قصر شیرین، با تکثیر ستونها استفاده کند.

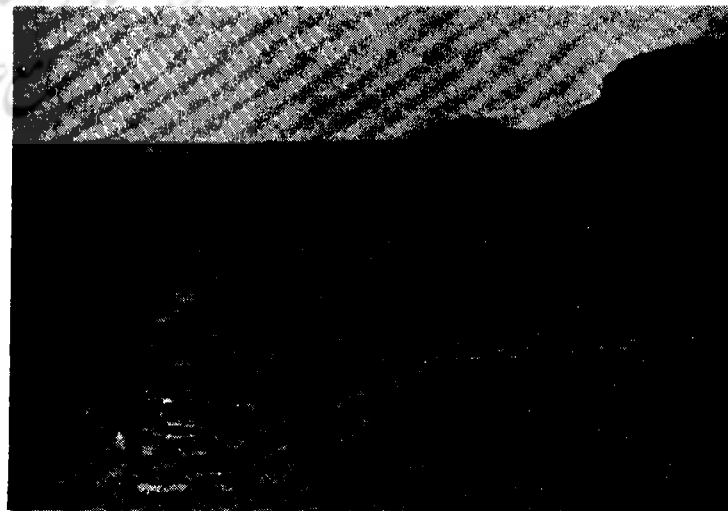
۳ - از حیاط و ایوان کاخ دامغان، با افزایش ناوهای

دردوره اشکانی، مورد استعمال بوده است. کاخهای اشکانی آسور و هتره^{۴۴} و کاخهای ساسانی فیروزآباد، سروستان، تیسفون و دامغان مثالهای روشنی می باشد. گهواره يك سقف تازه در ایران نیست. این سقف در آثار معماری بدست آمده از هفت تپه شوش مربوط به اواسط هزاره دوم قبل از میلاد دیده میشود.

ثانیاً قوسهای تخم مرغی بناهای ساسانی چون کاخ تیسفون می توانسته مدل خوبی برای تاریخانه باشد. قوسهای تاریخانه (شکل ۸) به آرامی به طرف جناغی می رود و از این نظر شبیه قوسهای پشت نمای طاق کسری (شکل ۹)^{۴۵} می باشد و مرحله ای از تحول قوس تخم مرغی ساسانی به قوس جناغی اسلامی را نشان میدهد^{۴۶}.

ثالثاً راجع به ستونها، تاریخانه دامغان مستقیماً ستونهای کاخ ساسانی دامغان را بخاطر می آورد. این کاخ وسیله حفاران امریکائی در ۱۹۳۱ میلادی، در تپه حصار، کشف شده است. قسمت پائین بعضی از این ستونها که از آجرهای مربع بضلع ۳۵ و ضخامت ۸ سانتی متر ساخته شده، نشان میدهد که آجرها متناوباً عمودی و افقی، به قطر ۱۷۹ متر، رویهم قرار گرفته است و با دقت در ابعاد اندک تفاوتی بنظر میرسد. از جمله در مقام مقایسه قطر ستونهای تاریخانه، که با اندود نازکی پوشیده شده، ۱۶۰ متر است ولی اگر تزئین نسبتاً ضخیم ستونهای کاخ دامغان را وضع کنیم قطر هر دو مساوی خواهد بود.

شکل ۹ - قوسهای پشت نمای طاق کسری مربوط به دوره ساسانی که مرحله ای از تحول قوس تخم مرغی ساسانی به قوس جناغی اسلامی را نشان می دهد



عنصر مشترکی که بین ستونهای تاریخانه و بعضی بناهای ساسانی بنظر میرسد سرستون نازک است که برای قرار گرفتن پایه قوسها بکاررفته است. به این معنی که سرستونهای نازک تاریخانه (شکل ۱۰) عیناً درستونهای طرفین گالریهای شرقی و غربی کاخ سروستان (شکل ۱۱) به چشم میخورد.

رابعاً راجع به مصالح: آجر، خشت، قطعات چوبی، گچ و غیره، در اکثر بناهای ساسانی مورد توجه و استعمال بوده است. مثلاً در شهر استخرخشت^{۴۷} و در کاخهای تیسفون^{۴۸} و بیشاپور^{۴۹} و دامغان^{۵۰} آجر و گچ و گاهی چوب بکاررفته است و بطوریکه دیدیم حتی در ابعاد آجرهای کاخ دامغان و تاریخانه و طرز چین آنها تشابه و تساوی وجود دارد.

پرفسور گدار در اثر خود «Gazette des beaux arts, T. 12, paris, 1934, pp. 228 - 231» میگوید: «در فرمهای

۴۳ - به رفرانس شماره ۲۵ مراجعه شود.

۴۴ - A.U. Pope, A Survey of Persian art, T. 1, p. 433, 430.

۴۵ - Idem. T. 4, p. 152 A.

۴۶ - M. Dieulafoy, l'art antique de la Perse, T. 5, p. 102.

۴۷ تا ۴۹ - Edith Porada, Iran ancien, paris, 1963, pp. 186, 193, 194.

۵۰ - Erich Schmidt, Excavation at Tepe Hissar, Philadelphia, 1937, p. 339.

شکل ۷ و ۸ و ۱۰ - ستونهای مدور آجری تاریخانه دامغان و قوسهای تخم مرغی (در داخل ناو) و سرستونهای نازک چوبی آن



معماری و طرز ساخت تاریخانه هیچ چیزی نیست که ایرانی نباشد. من بازخواهم گفت: هیچ چیز در این بنا، هیچ فرم، هیچ جزئیات ساختمانی نیست که متعلق به معماری ساسانی نباشد. آیا ممکن است که با این وصف معمار تاریخانه دامغان به پلانهای موجود در معماری ساسانی توجه نکند و «نقشه سبک بدوی عرب» را انتخاب کند؟ نگارنده تردید شدید دارد و معتقد است که پلان این بنا نیز از سوابق موجود در شاهنشاهی ساسانی برگزیده شده است.

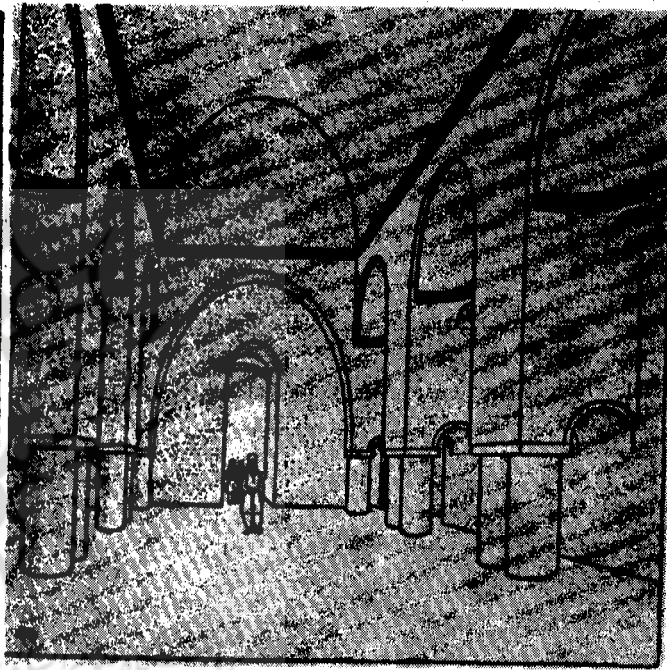
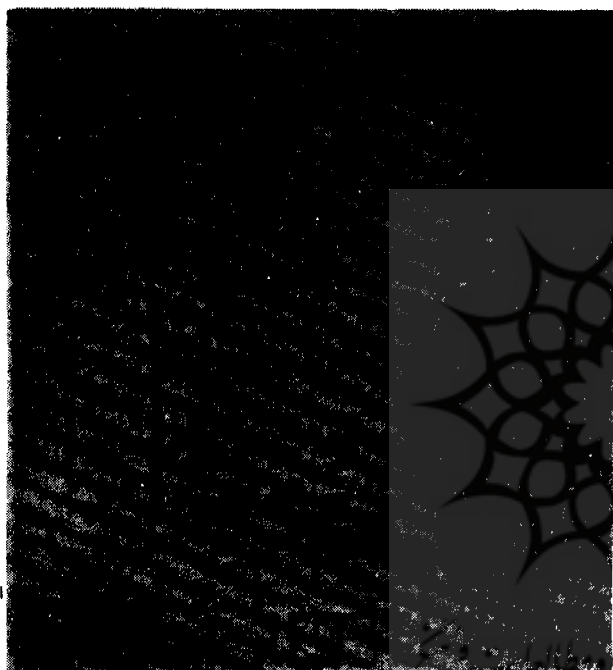
و اما درباره مساجدی که «خالص ایرانی» محسوب گردیده است می باید توضیح داد که این نوع بناها از نظر پلان به شش قسمت تقسیم میشود^{۵۱}:

۳ - مساجدی که از ترکیب چهارطاق و ایوان بوجود می آید مانند مسجد اردبیل منسوب به دوره سلجوقی (شکل ۱۴).

۴ - مساجد مستطیل شکل که در وسط آن یک قسمت با پلان مربع مشخص و در بالای آن گنبدی تعبیه می گردد مانند مسجد محمدیه در نزدیک نائین که منسوب بقرن چهارم و پنجم هجری است (شکل ۱۵).

۵ - مساجد دو ایوانی که دارای یک حیاط و دو ایوان، در سمت قبله و مقابل آن است مانند مسجد فریومد (شکل ۱۶) و مسجد گناباد مورخ اوایل قرن هفتم هجری.

۶ - مساجد چهار ایوانی که دارای یک حیاط چهار گوش در داخل و چهار ایوان در روی چهار ضلع است مانند مسجد



شکل ۱۴ - پلان مسجد جمعه اصفهان که در جنوب و شمال آن دو تالار مربع مربوط به دوره سلجوقی مشخص است

شکل ۱۱ - تصویر یکی از گالریهای کاخ سروستان مربوط به دوره ساسانی که، مانند تاریخانه دامغان، سرستونهای نازک در آن دیده میشود

جمعه اصفهان (شکل ۱۲) و مسجد زواره (غالباً ایوان جنوبی این مساجد بیک تالار مربع منتهی می گردد).

وقتی آنها را با مساجدی که بر طبق اظهار دانشمندان مذکور دارای «نقشه سبک بدوی عرب» می باشد مقایسه کنیم متوجه می شویم که بین دو دسته وجوه مشترک و خوباوندی وجود دارد به این معنی که:

اولاً در هر دو دسته حیاط مربع و یا مستطیل بکاررفته است. می توان برای مثال حیاط مسجد یک ایوانی نیریز^{۵۲}، حیاط مسجد دو ایوانی فریومد^{۵۳}، حیاط مسجد چهار ایوانی

۱ - مساجدی که بشکل چهارطاقی ساخته شده و پلان آنها عبارت از مربعی است که سقفش را گنبد مدوری تشکیل میدهد و طبق روش قدیمی ایران این گنبد با کمک گوشوار تعبیه می گردد^{۵۴}. بهترین نمونه این نوع، تالارهای مربع جنوبی و شمالی مسجد جمعه اصفهان مربوط به دوره سلجوقی است (شکل ۱۲).

۲ - مساجد یک ایوانی که عبارت از یک حیاط و یک ایوان، در سمت قبله آن است مانند مسجد نیریز مورخ اواسط قرن چهارم هجری (شکل ۱۳).

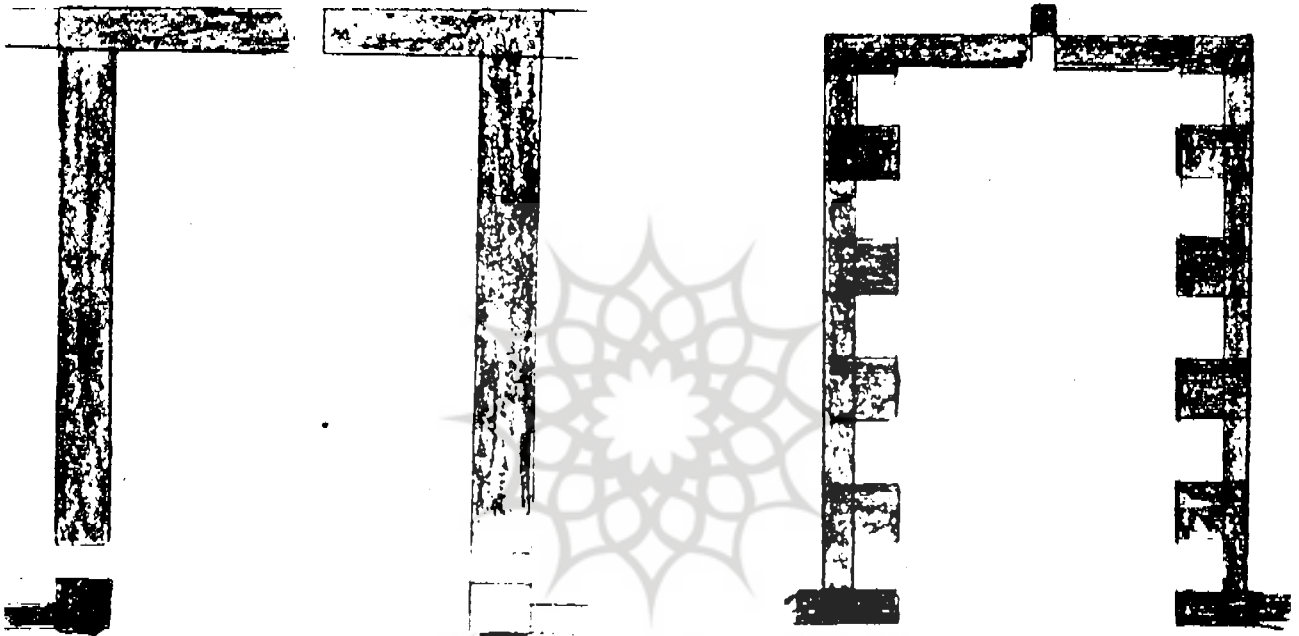
زواره^{۵۵} را با حیاط مساجد کوفه، مدینه و تاریخانه دامغان مقایسه نمود.

ثانیاً چهارطاقی‌هایی که در زمره مساجد خالص ایرانی شمرده شده و سایبانهای آتش دوره ساسانی را تشکیل میداده عملاً در تالارهای ستوندار بعضی از مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» ساخته شده است. در این مورد به مسجد شوش اشاره میشود. این مسجد که توسط پرفسور گبرشمن مطالعه و به اواخر قرن اول هجری نسبت داده شده است عبارت از یک حیاط رواقدار و یک تالار ستوندار در سمت قبله بوده است (شکل ۱۷). تالار ستوندار عبارت از چهار ناو شرقی - غربی و ده ناو شمالی جنوبی بوده که سقف آن در بالای ۳۶ ستون مدور قرار داشته

تالار را بوجود آورده اند.

ثالثاً ایوان موجود در مساجد «خالص ایرانی» در مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» عملاً بکار رفته است. بطوریکه دیدیم رواقهای تاریخانه دامغان، باسقف گهواره‌ای خود، چون ایوانهایی بر حیاط آن عمود است و اضافه بر آن نظیر همان رواقهای تاریخانه دامغان در سمت غربی مسجد دو ایوانی گناباد (شکل ۱۸) مورخ ۶۰۹ هجری^{۵۸} ساخته شده است و به فرض اینکه رواقها را عناصری غیر از ایوانها بدانیم وجود آن در مساجد «خالص ایرانی» یک پیوند روشن بین دو دسته بنا بیان می‌کند.

رایباً راجع به ایوان و اطاق مربع انتهایی آن که نوعی

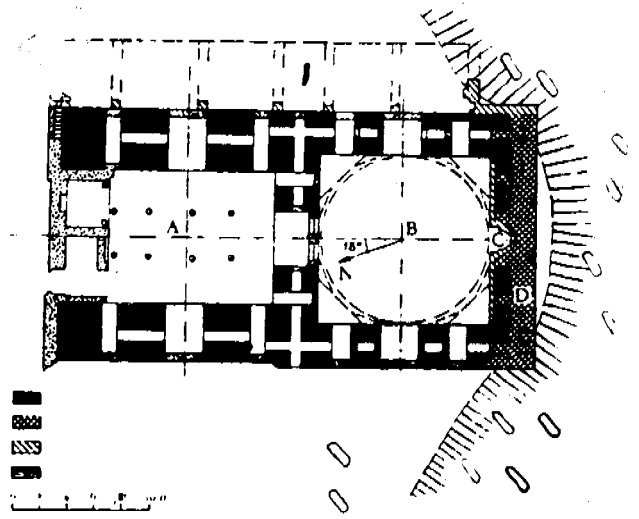
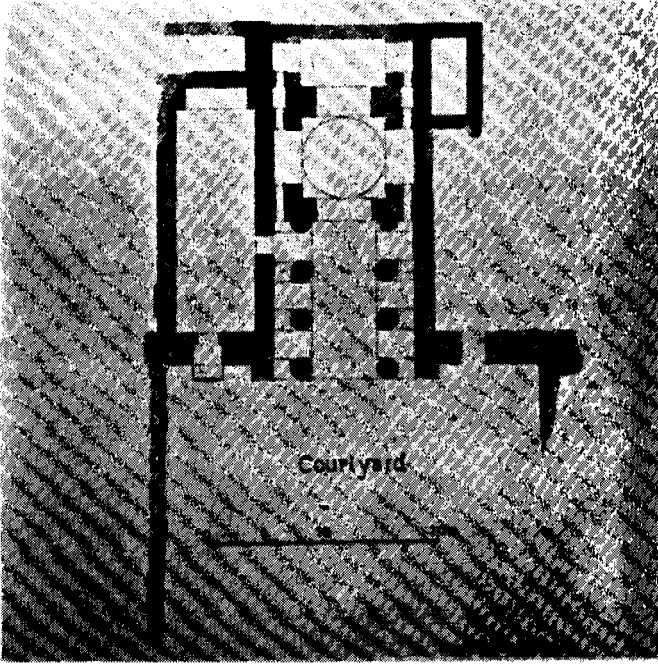


شکل ۱۳ الف - پلان تقریبی طاق کسری که نمونه مناسبی برای مساجد یک ایوانی بوده است

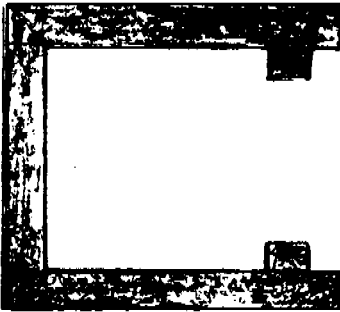
شکل ۱۳ - پلان تقریبی مسجد یک ایوانی نیریز مورخ اواسط قرن چهارم هجری

- ۵۱ - به رفرانس شماره ۴۰ مربوط به مسجد جامع گناباد، نوشته این‌جانب در شماره ۹۲ مجله هنر و مردم، خرداد ۱۳۴۹ مراجعه شود.
- ۵۲ - برای مطالعه گوشوار به شماره ۱۰۶ مجله هنر و مردم، مرداد ۱۳۵۰، ص ۲ تا ۱۶، نوشته این‌جانب مراجعه شود.
- ۵۳ - A. Godard, Athar-é Iran, T. 1, 1936, p. 166.
- ۵۴ - A. Godard, Athar-é Iran, T. IV, 1949, p. 85.
- ۵۵ - هنر ایران، اثر پرفسور آندره گنار، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، تهران ۱۳۴۵، ص ۴۱۷، شکل ۲۲۴.
- ۵۶ - مساجد ایران در دوره اسلامی از دکتر عیسی بهنام، شماره ۵ سال سوم مجله بررسی‌های تاریخی، ص ۷۵/۵.
- ۵۷ - ایضاً هنر ایران، ص ۳۷۶.
- ۵۸ - برای مطالعه مسجد جامع گناباد به مجله شماره ۹۲ هنر و مردم، خرداد ۱۳۴۹، ص ۶ تا ۱۴، نوشته این‌جانب مراجعه شود.

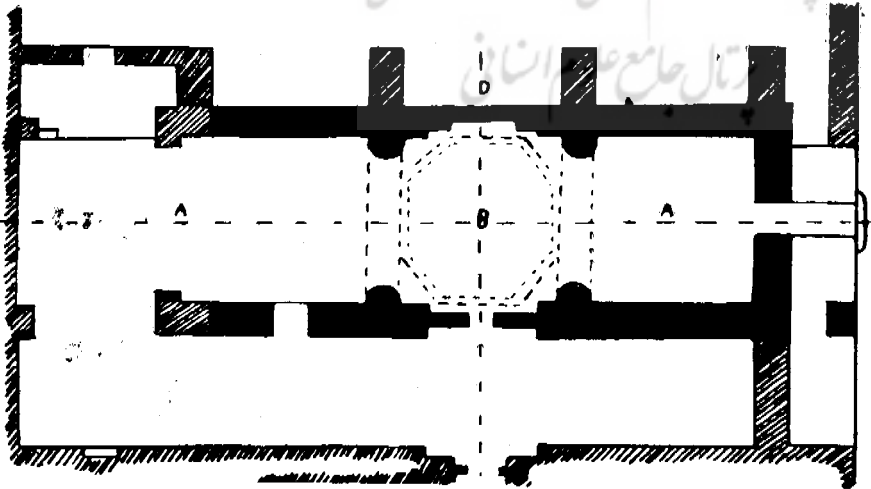
است^{۵۶} به این معنی که در بالای ستونها قوسها و در بالای قوسها گنبدهای کوچک قرار داشته و در واقع هر یک از این گنبدها، با چهارستون و پلان مربع بین آنها، بمنزله یک چهارطاقی بوده که در مساجد چهارطاقی دوران اسلامی و سایبانهای آتش دوره ساسانی مورد عمل بوده است. نظیر همین گنبدها، با چهار قوس و چهارستون و پلان مربع زیر آن، در تالار ستوندار مسجد وکیل شیراز مورخ ۱۱۸۷ هجری^{۵۷} که توسط پرفسور گدار در زمره مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» شمرده شده نیز وجود دارد و در واقع مانند این است که عده‌ای سایبانهای آتش ساسانی را در دو جهت کنار هم گذارده و یک



شکل ۱۴ - پلان مسجد اردبیل منسوب به دوره سلجوقی که تلفیق ایوان و چهارطاقی را نشان میدهد
مربوط به دوره ساسانی که ایوان و تالار مربع انتهای آن نمونه مناسبی برای مساجد مرکب از ایوان و چهارطاقی بوده است



شکل ۱۵ الف - پلان ایوان کرخه مربوط
به دوره ساسانی



شکل ۱۵ - پلان مسجد محمدیه منسوب به قرن
چهارم و پنجم هجری که شبیه پلان ایوان کرخه
ساسانی می باشد

وسط ناو است و تفاوت آن مثلاً با ایوان کرخه ساسانی^{۶۰}، که سرمشق محسوب میشود، در این است که در ایوان کرخه جناحین گنبد وسط با گهواره‌های متوالی عرضی و در مسجد شوش با گنبدهای کوچک متوالی پوشیده شده است و ناوهای مسجد نیز از طرفین بهم راه دارد.

سادساً راجع به مساجد چهارایوانی باید گفت که این نوع مساجد، شامل مساجد «دارای نقشه سبک بدوی عرب» و همچنین جامع‌انواع دیگر مساجد «خالص ایرانی» می‌باشد و به قول دونالدن. ویلبر بنای استاندارد (کلی و واحد) معماری ایرانی است^{۶۱}. مثال بارز این نوع بناها مسجد جمعه اصفهان و مشتمل است بر:

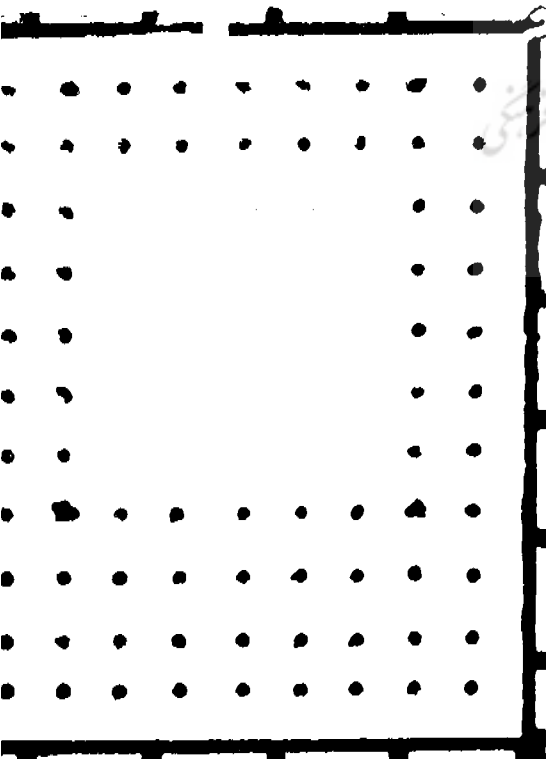
اول - یک حیاط مستطیل شمالی جنوبی که با هر یک از حیاطهای مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» قابل مقایسه است.

- ۵۹ - تاریخ صنایع ایران، تألیف دکتر ج. کریستی ویلسن، ترجمه عبدالله فریار، تهران ۱۳۱۷، ص ۱۳۷.
- ۶۰ - A. Godard, *l'art de l'Iran*, paris, 1962, p. 350
- ۶۱ - معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، اثر دونالدن. ویلبر، ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران ۱۳۴۶، ص ۳۷.

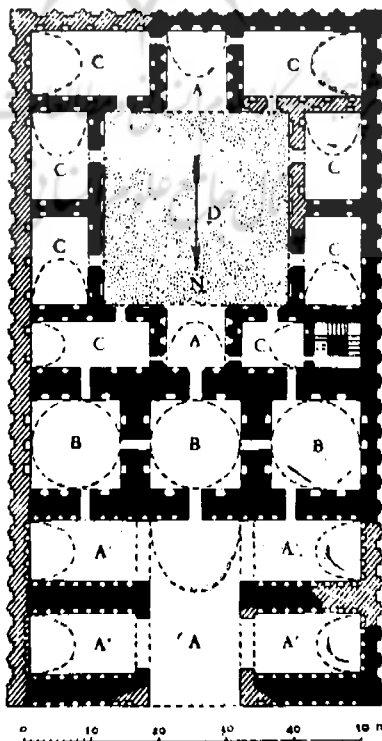
مسجد «خالص ایرانی» شمرده شده در واقع تلفیقی است از ایوان و چهار طاقی که وجود هر یک در مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» مدلل شده و در این جا می‌باید اضافه شود که شکل تلفیق شده آن نیز در بعضی مساجد قبل از دوره سلجوقی مشاهده می‌گردد. یکی از مثالها مربوط به مسجد جمعه نائین است که در زمرة مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» به شمار آمده است.^{۵۹} این مسجد که در اواخر قرن سوم هجری ساخته شده عبارت است از یک حیاط چهار گوش که در سه طرف آن تالارهای ستوندار و در طرف مقابل قبله یک ردیف رواق قرار دارد. (شکل ۱۹). ناو وسطای تالار ستوندار سمت قبله، مانند تاریخانه دامغان، عریض‌تر از ناوهای جنبی است و در انتهای آن فضائی با پلان مربع و چهار قوس و یک گنبد قرار گرفته و طاق بالای محراب را دربر دارد و در واقع مانند ایوان و تالار مربع کاخ ساسانی دامغان و ایوان و تالار مربع مسجد زواره سلجوقی است.

خامساً راجع به تالارهای مستطیل گنبددار می‌باید گفت که با دقت در پلان و وضع مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» از جمله مسجد شوش متوجه خواهیم شد که هر واحد از قطعات تشکیل دهنده تالار ستوندار (چهارستون و پلان بین آنها) نسبت به طرفین خود بمنزله قسمت مربع در

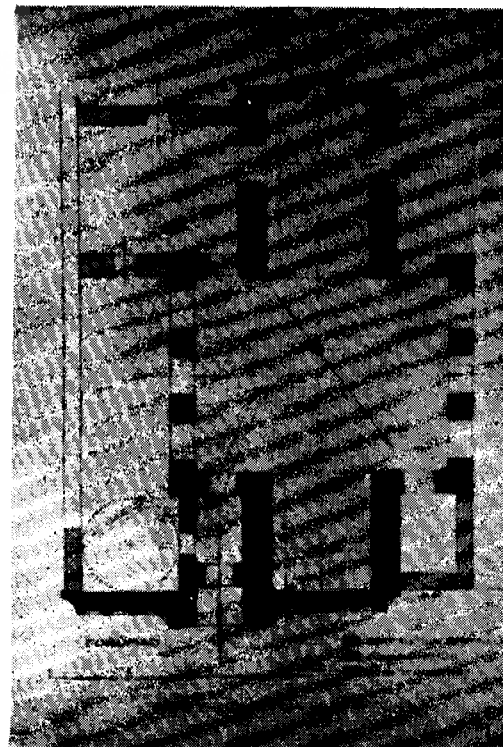
شکل ۱۷ - پلان مسجد شوش منسوب به اواخر قرن اول هجری

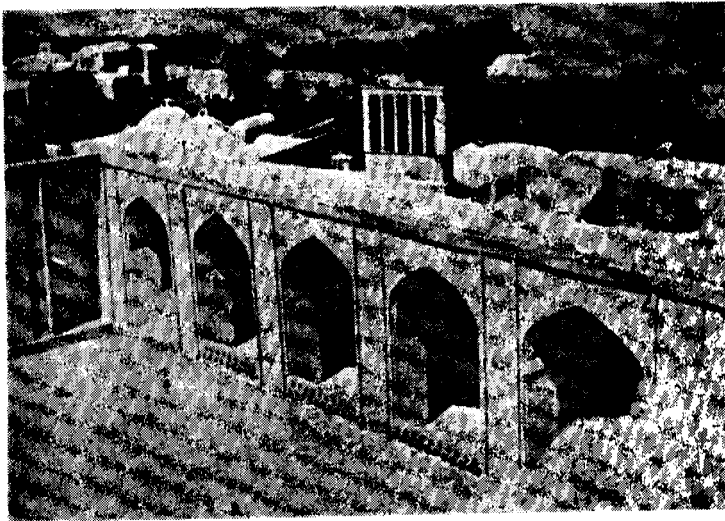


شکل ۱۶ الف - پلان کاخ فیروزآباد مربوط به اوایل دوره ساسانی که نمونه مناسبی برای مساجد دویوانی بوده است



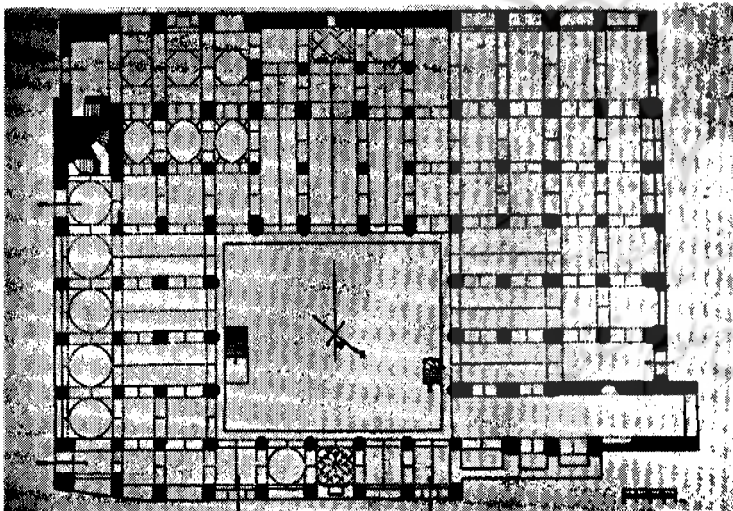
شکل ۱۶ ب - پلان مسجد دو ایوانی فریومد که شبیه قسمت اختصاصی کاخ فیروزآباد ساسانی است





شکل ۱۸ - رواق‌های مغرب حیاط مسجد جامع گناباد مورخ ۶۰۹ هجری که نظیر رواقها یا ایوانهای عمود بر حیاط تاریخانه دامغان است

شکل ۱۹ - پلان مسجد جمعه نائین که در انتهای ناو وسطای تالار ستوندار سمت قبله آن فضای مربع گنبددار واقع است



آنها را میان خود تقسیم کرده بودند حمله کردند غیر از آئین جدیدشان چیزی که مخصوص خودشان بوده باشد نداشتند از معماری هم هیچ نمی‌دانستند ، شهرهایشان جز توده‌هایی از کلبه های گلی ابتدائی و روستاهایشان غیر از جوخه‌هایی از چادر یا آلونک‌هایی از نی نبودند و تنها عبادتگاهی که داشتند کعبه مکه بود که به هیچیک از درجات

دوم - چهار ایوان که در روی چهار ضلع قرار گرفته و با رواقهای طرفین و حیاط جلو خود ، مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» را القاء می‌کند و در واقع هر يك از ایوانها در بین رواقها ، نوعی رواق است که عریض‌تر شده است .

سوم - تعداد کثیری تالارهای ستوندار که هر يك بمنزله شبستانی در مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» است و اضافه بر آن در شرق این مسجد يك حیاط كوچك رواق‌دار وجود دارد .

چهارم - تالارهای مربع جنوبی و شمالی که اولی در پشت ایوان جنوبی قرار گرفته و عملاً با ناو وسطای تالار ستوندار مسجد جمعه نائین و فضای مجاور محراب آن تفاوتی ندارد و دومی نیز ، که در محور ایوان شمالی و انتهای يك تالار ستوندار واقع است ، با فضای مجاور محراب مسجد جمعه نائین مشابهت دارد .

پنجم قطعات بین چهار ایوان که از پهلو بهم راه دارد و عملاً تفاوتی با رواقهای اطراف تاریخانه دامغان و مسجد کوفه ندارد و مانند این است که چهار ایوان را در پلان ستوندار و روقدار سابق نصب کرده باشند (شکل ۲۰) . بنابراین بنا بر مراتب مذکور پلان مسجد جمعه اصفهان تلفیقی از دو نوع مساجد مورد تقسیم پروفوسور گدار است و به عبارت بهتر در عین اینکه دارای «سبک ایرانی خالص» است شامل عناصر مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» نیز می‌باشد و نمی‌تواند از آن تفکیک گردد .

پس چه دلایلی موجب شده که دسته‌ای از مساجد ایرانی توسط پروفوسور گدار دارای «نقشه سبک بدوی عرب» اظهار شود .

آیا روش معماری و یا منازل مردم جزیره العرب در قبل از اسلام به این نوع مساجد الهام بخشیده است ؟ خیر زیرا پروفوسور گدار که خود عنوان‌کننده تقسیم است در چندجا از نوشته های خود این الهام را رد کرده است :

۱ - وی در صفحه ۳۴۵ کتاب هنر خود می‌گوید^{۶۳} : «در حقیقت اسلام در آغاز طلوع خود جز اصول اخلاقی چیزی همراه نداشت . اگر آن را در مراحل اولیه اش بررسی کنیم چنین بنظر می‌آید که از لحاظ ایجاد یا الهام يك هنر جدید از مسیحیت هم ناتوان‌تر بوده است» .

۲ - وی در صفحه ۳۴۸ همین کتاب پس از توجه به گفته ابن‌خلدون می‌نویسد^{۶۴} : «اما پیش از اسلام ، اقامت در صحرا و نوع زندگی اقتضای توجه بهنر را نداشت و آنها نمی‌توانستند نه نقاش و حجار و نه معمار بشوند» .

۳ - وی در صفحه ۳۵۰ همین کتاب می‌افزاید^{۶۵} : «وقتی در آغاز قرن هفتم اعراب از صحرای خود بیرون ریختند و به طرف دو تمدن بزرگی ، که امپراطوری آینده

هنر ساختمان تعلق نداشت ، باوجود این ، گرچه تعجب آور است ولی چنددهه سالی پس از هجرت اشکال متنوعی از مساجد نمودار شد .

آیا بنای مسجد مدینه و مکه به این نوع مساجد الهام بخشیده است ؟ خیر زیرا :

۱ - پلان و شکل اول مسجد مدینه روشن نیست و به طوریکه فوقاً گذشت^{۶۵} این مسجد نمی توانسته سرمشق منطقی مساجد ستوندار و رواقدار قرار گیرد .

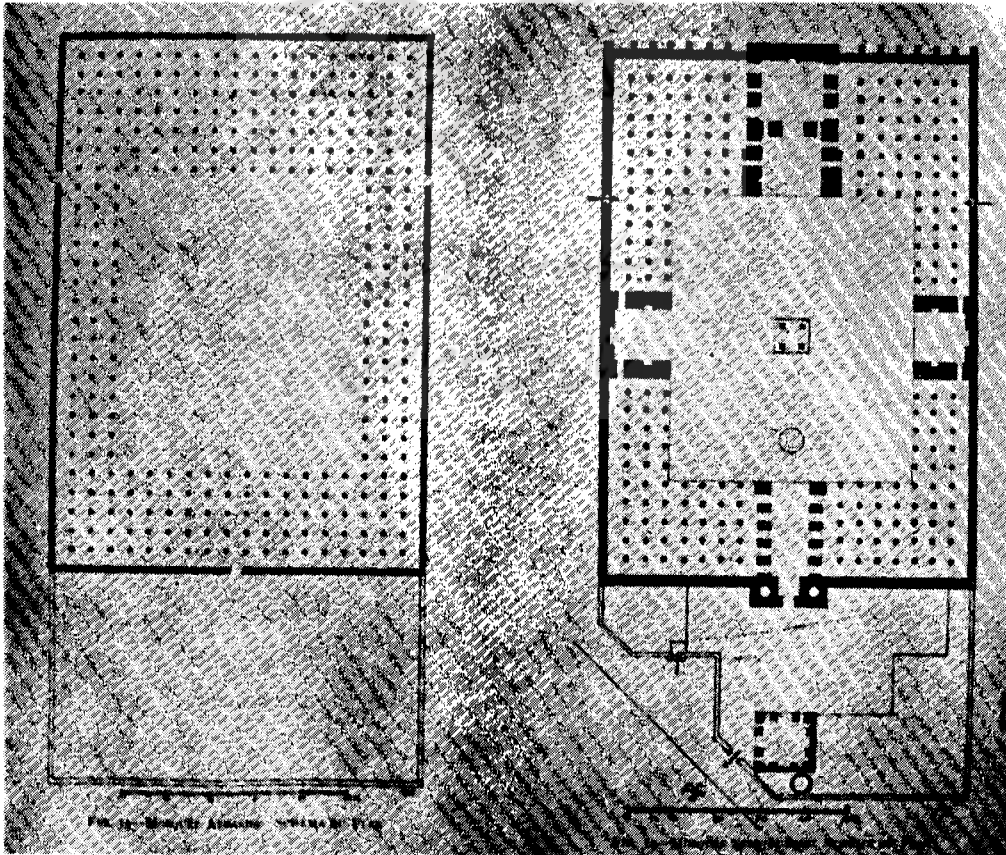
۲ - پرفسور گدار در صفحه ۳۵۱ کتاب خود می گوید^{۶۶} : «اغلب از مبده مسجد گفتگو می کنند و مثل اینکه فقط يك نوع از این بنا وجود داشته است . در صورتیکه عده زیادی از آنها را می توان برشمرد . از جمله اولین مسجد عربی است که ابتدا حیاط خانه مجاز بوده است و مسجد پیغمبر در مدینه که قطعاً زمین محصور بوده که يك ضلع آن را نوعی انبار پوشیده از برگ نخل تشکیل میداده است و آن بقدری خشن و ابتدائی بوده که نمی توان تصور کرد که اعراب مغرور چنین معبدی را به ملل مغلوب ، با چنان تمدن کهن و درخشانی

تحمیل کرده باشند» .

۳ - استاد علی ذقی وزیری در کتاب تاریخ عمومی هنرهای مصور می گوید^{۶۷} : «نخستین بنای مذهبی اسلام مسجد مدینه است . اما مسجدیکه اکنون در مدینه برپاست با اولین مسجد این محل بستگی زیاد ندارد . فقط احتمال داده میشود که از حیث طرح و نقشه میان مسجد کنونی و نخستین مسجدیکه در زمان پیغمبر اکرم در این شهر ساخته شد و در زمان خلیفه دوم تغییر و توسعه یافت شباهتی موجود باشد مسجد مکه معظمه نیز از هر حیث شباهت به مسجد مدینه دارد و مانند آن نمیتواند بعنوان باستانی ترین بنای مذهبی اسلام بشمار آید» .

- ۶۲ تا ۶۴ - هنر ایران ، تألیف پرفسور آندره گدار ، ترجمه دکتر بهروز حبیبی ، تهران ۱۳۴۵ .
 ۶۵ - به رفرانس شماره ۱۶ مراجعه شود .
 ۶۶ - هنر ایران ، ترجمه دکتر بهروز حبیبی ، ص ۳۵۱ .
 ۶۷ - تاریخ عمومی هنرهای مصور ، جلد دوم ، تهران ۱۳۴۰ ، ص ۲۱۳ .

شکل ۲۰ - درچپ : پلان مسجد جمعه اصفهان در صورت به اصطلاح «نقشه سیک بدوی عرب» . در راست : پلان همان مسجد در صورت به اصطلاح «سیک ایرانی خالص» . به طوریکه ملاحظه میشود اساساً این دو پلان تفاوتی ندارد



آیا بناهای خارج جزیره العرب، که سامی نشین بوده، به حساب اعراب منظور شده است؟ خیر زیرا:

۱- پروفیسور گدار در صفحه ۳۵۰ کتاب هنر خود^{۶۸} جزیره العرب را صحرا و سرزمینهای همسایه آن را دارای تمدن و حساب جداگانه دانسته است.

۲- پروفیسور گیرشمن در ضمن معرفی مسجد شوش می گوید: «مسجد کوفه در تاریخ ۶۳۹ میلادی ساخته شد و نخستین مسجدی بود که در خارج عربستان بنا می شد»^{۶۹}.

آیا به علت ظهور دین اسلام در جزیره العرب و اشاعه آن توسط اعراب، مساجد اولیه اسلامی به عنوان مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» نامیده شده است؟ ممکن است زیرا:

۱- هنگامی که پروفیسور گدار مشغول مطالعه بناهای ایرانی شده مساجد کوفه، سامرا، ابودلف در خارج مرزهای فعلی واقع بوده و در داخل ایران با وجودیکه صحبت از صدها مسجد شده تنها نمونه قابل مطالعه تاریخانه دامغان بوده و احتمالاً وضع موجود فکر این تقسیم بندی را بوجود آورده است.

۲- دو مسجد مدینه و مکه، با وجودیکه پلان و شکل ستوندار آنها مؤخر بر مسجد کوفه است، مورد توجه مسلمانان بوده و به قول استاد وزیری «از حیث طرح از این دینای مذهبی اقتباس گردیده است»^{۷۰}. این موضوع نیز، با وجودیکه در وضع ابتدائی مورد استناد پروفیسور گدار نیست، احتمالاً مورد نظر بعضی از دانشمندان قرار گرفته است.

۳- همان طور که تا اوایل قرن اخیر در عالم غرب هنر اسلامی «هنر عرب»^{۷۱} و بعضی نقوش معمول در تزیینات اسلامی «Arabesque» نامیده میشد، احتمالاً ترادف دو کلمه اسلامی و عرب، در نظر غربیها، عنوان مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» را بوجود آورده است.

این احتمال ضعیف است زیرا مقارن ساختمان مسجد مدینه، به شکل ستوندار، و حتی قبل از آن مساجد دیگری از جمله قبه الصخره، مسجد الاقصی و مسجد بزرگ دمشق ساخته شده و به این عنوان نامیده نشده است و دو احتمال دیگر، اگر هم به این نوع مساجد مجازاً عنوان مساجد دارای «نقشه سبک بدوی عرب» داده باشد، در داخل ایران که تداوم سنتها و معماری ملی وجود داشته، بسیار ضعیف و غیر منطقی بنظر می رسد.

راجع به محراب و منبر و مناره که بر طبق نوشته پروفیسور گدار اعراب به ایران داده اند^{۷۲}، وی چگونگی این دهش و منشأ آن را روشن نکرده است و مع ذلك خواننده نوشته او ظاهراً تصور خواهد کرد این سه عنصر را اعراب قبل از اسلام بکار می برده و پس از ظهور اسلام به ایران داده اند در حالی که این سه عنصر نیز ابداع اعراب نبوده و از سابق در ممالک مفتوحه

اسلامی، از جمله ایران، بکار میرفته است.

محراب - این عنصر معماری در مساجد جهت قبله را معین می کند و معمولاً به صورت طاق نما و نصف استوانه یا نصف منشور است که سقف آن را یک نیم گنبد تشکیل میدهد ولی تاریخ استعمال آن بصورتی که گفته شد مشخص نیست و جای آن در مسجد ابتدائی مدینه نیز معین نکرده اند. این طاق نما با نیم حجم که نقطه مورد توجه مساجد است و معمولاً منبر در کنار آن قرار دارد، در بعضی از کشورها و بعضی از مذاهب قبل از اسلام مورد استعمال بوده است.

در جزء مجموعه بناهای مراکز شهرهای رومی، از جمله شهر رم، تالار مستطیل و ستونداری بنام بازیلیک ساخته و به عنوان تالار محاکمات از آن استفاده میشده است. در دو انتهای این تالار معمولاً دو فضای نیم مدور بنام آبسید وجود داشته و احتمالاً محل جلوس هیأت قضائی بوده است^{۷۳}. در مسیحیت از بازیلیک رومی برای کلیسا استفاده شد و با تغییر مدخل و جهت، یکی از آبسیدها به عنوان محراب انتخاب گردید.

مهرپرستان نیز از این نیم حجمها، که مهربا نامیده شده، استفاده می کرده اند. می گویند کشتن گاو بدست مهر و ریختن خورش در غاری روی داده و پیروان مهر پرستشگاههای خود را با زدن طاق و درست کردن طاق نما به صورت غار مصنوعی در می آوردند^{۷۴}. بر طبق نوشته بعضی از دانشمندان «مهراب» گنبد مهر و پیشگاه پیروان مهر و پرستشگاه آنان بوده و بعدها در مسجد به عنوان «محراب» از آن پیروی شده است^{۷۵}.

ساختن طاق نما و نیم گنبد در دوره ساسانی معمول بوده و می توان ۶۴ طاق نمای درون تالار بزرگ کاخ بیشاپور منسوب به زمان شاهپور اول ساسانی (۲۷۲ - ۲۴۱ میلادی) را یادآور شد. یکی از این طاق نماها در اطاق شماره ۱۰ موزه لور پارسی دوباره سازی شده (شکل ۲۱) و وقتی آن را در کنار محراب مساجد، مثلاً محراب اولجاپتو (شکل ۲۲) در مسجد جمعه اصفهان، قرار دهیم تفاوت قابل ملاحظه ای نخواهیم دید

۶۸- ایضاً هنر ایران، ترجمه دکتر بهروز حبیبی.

۶۹- مساجد ایران در دوره اسلامی، از دکتر عیسی بهنام، از شماره ۵ سال سوم مجله بررسی های تاریخی، ص ۷۴/۴.

۷۰- ایضاً تاریخ عمومی هنرهای مصور، ص ۲۱۳.

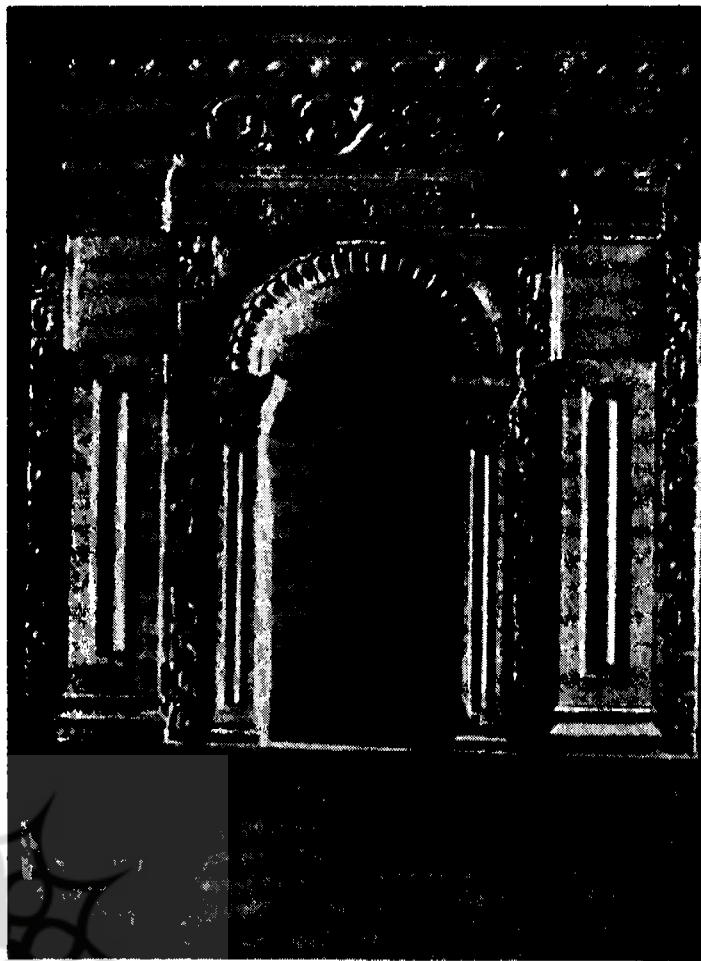
۷۱- به تاریخ عرب فیلیپ حتی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز ۱۳۴۴ و فهرست آن مراجعه شود.

۷۲- به رفرانس شماره ۳ مراجعه شود.

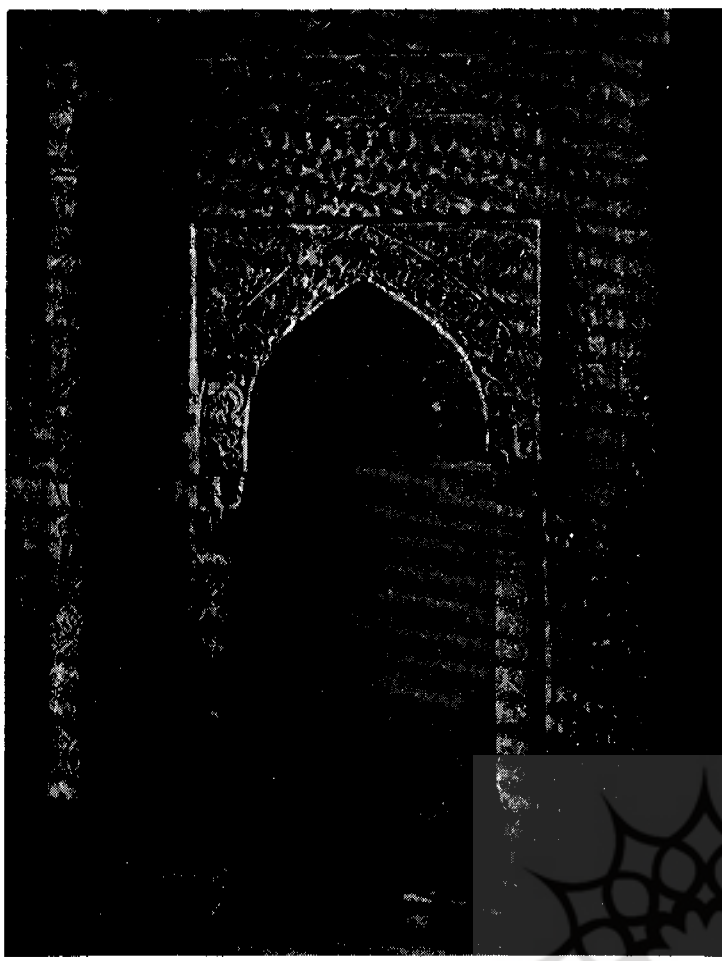
۷۳- Histoire générale de l'art, Flamarion, paris, 1950. p. 225.

۷۴- نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره اول شماره ۳، مهر ۱۳۴۳، نوشته دکتر محمد مقدم، ص ۴۹.

۷۵- ایضاً نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، ص ۵۰ تا ۵۴.



شکل ۲۱ - یکی از طاق‌نماهای درون تالار بزرگ کاخ بيشاپور منسوب به زمان شاهپور اول ساسانی که مشابه محراب مساجد است



شکل ۲۲ - محراب اولجايتو در مسجد جمعه اصفهان مورخ ۷۱۰ هجری

واضاfe بر آن در کنار طاق‌بستان ایوان کوچکی در کوه حفر و در پیشانی آن صحنه‌ای از اعطای منصب اردشیر دوم ساسانی (۳۸۳ - ۳۷۹ میلادی) حجاری شده است. در آنجا شاه حلقه سلطنت را از اهورامزدا دریافت می‌کند و در پشت سرش خدای مهر ایستاده است.^{۷۶}

منبر - منبر محل جلوس و عاظ برای بیان مسائل مذهبی است ولی این عنصر، که در فرهنگ نظام از آن بنام «تختی که دارای یک پله یا بیشتر باشد و بر آن خطیب و واعظ و ذاکر می‌نشینند» یاد شده است^{۷۷}، نوعی صندلی است و صندلی از قدیم - الایام در ایران، مصر، بین‌النهرین و سایر کشورهای خاورمیانه معمول بوده است. می‌گویند پیغمبر اسلام (ص) در سال هفتم هجری منبر خود را ساخت و این منبر ابتدا دارای دوپله بود و بعدها بتدریج منبرها به صورت چند پله درآمد^{۷۸}.

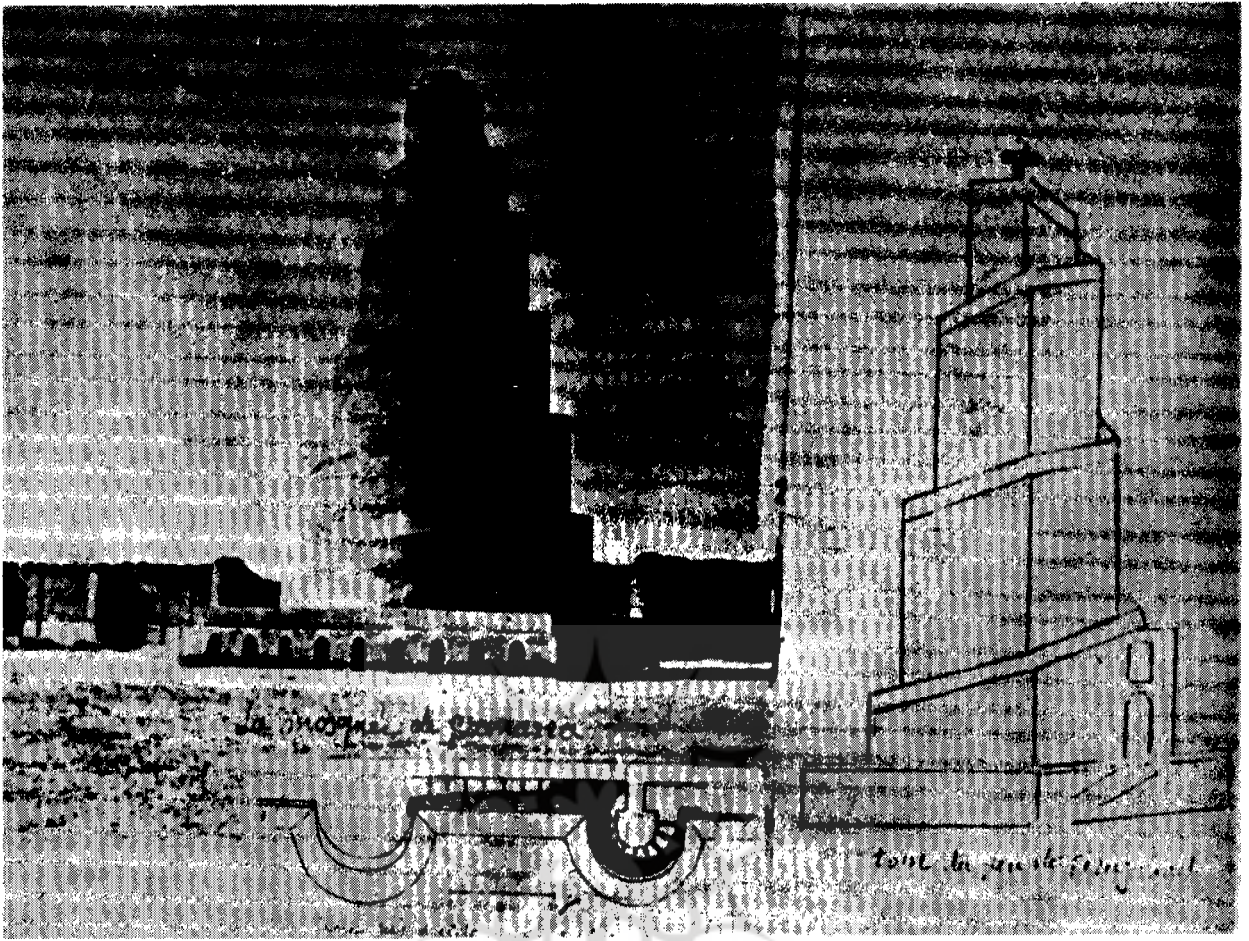
در کلیساهای مسیحی نیز نوعی منبر پله‌دار بنام (Chaire) وجود داشته است و اضاfe بر آن پیروان مانی، پیغمبر ایرانی

و متوفی در ۲۷۶ میلادی، به یادگار شهادت نبی خود روزی را موسوم به «عید بما» معین کردند و در مراسم آن روز منبری می‌گذاشتند که حاکی از حضور استاد غایب باشد^{۷۹} و این خبر نشان می‌دهد که مانی خطابه‌های خود را در روی منبر ایراد می‌کرده است.

۷۶ - A. Godard, L'art de l'Iran, paris, 1962, p. 205 et pl. 105.

۷۷ - جلد پنجم فرهنگ نظام، ۱۳۵۸ هجری قمری، ص ۲۳۰.
 ۷۸ - Grand Larousse encyclopédique, T. 2, 1960, p. 798 - 799.

۷۹ - ایران در زمان ساسانیان، تألیف پرفسور آرتور کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی، تهران ۱۳۱۷، ص ۲۲۲؛ بموجب صفحه ۳۳۲ تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز ۱۳۴۴، پیغمبر قبل از ساختن منبر در مسجد مدینه یک تنه خرما را که بزمین استوار شده بود تکیه‌گاه خود کرد که پهلوی آن می‌ایستاد و برای جماعت خطبه می‌خواند.



شکل ۴۳ - در راست: برج آتش فیروزآباد منسوب به آغاز دوره ساسانی. در چپ: مناره مسجد سامرا منسوب به قرن سوم هجری. برج آتش فیروزآباد چون برادر بزرگ مناره سامرا بنظر میرسد

عمومی هنرهای مصور، راجع به مسجد بزرگ دمشق می گوید: «وقتی خواستند در چهار طرف مسجد چهار مناره بسازند برای ساختمان مناره‌ها نیز از برج ناقونهای کلیسای یحیی در دمشق استفاده کردند و مناره‌ها را بصورت برجهای مرتفع مکعب شکل ساختند»^{۸۰}.

راجع به برجهای آتش می باید توضیح داد که در قبل از اسلام مردم ایران به آتش حرمت مخصوصی می گذاردند و در مراسم نیایشهای مذهبی خود آتش را در محل مخصوص آن بر فراز سکوهای سنگی با آتشدانهای مختلف در دامنه کوهستان می نهادند. در دوره ساسانی چهارطاقهای متعدد در نقاط مرتفع بنیاد می کردند و آتش فروزان را درون آتشدان در وسط

مناره - این عنصر که به شکل میل یا برجهای مدور و مربع و چند وجهی در مساجد، مدارس و مقابر ساخته میشده و میشود ظاهراً برای اینکه مئذنه باشد بکار رفته است ولی مناره یا منار نیز معنی دیگری داشته و اساساً در قبل از اسلام و بعد از آن برای هدفهای دیگر نیز ساخته شده است. منار یعنی جای نار و نور و بطور واضحت آتشدان و آتشگاه و مناره یعنی روشنی جای و چراغ پایه. این عنصر نیز ابداع اعراب نیست و از قدیم الایام به عنوان برج راهنمایی، چون فار اسکندر، و برج ناقوس در کلیساهای مسیحی و برج آتش در آتشگاههای ساسانی بکار میرفته و الهام بخش بناهای اسلامی گردیده است. استاد محترم علی نقی وزیری در کتاب خود، تاریخ

مساجد متحدالمال و یا دستورالعمل خاصی صادر نکرده اند. اعراب بنتخانه مکه را به مسجدالحرام تبدیل نموده^{۸۷} و در طاق کسری نماز گزارده اند^{۸۸}. به عبارت دیگر مسلمانان می توانسته اند از بناهای موجود به عنوان مسجد استفاده کنند و متحمل صرف وقت خراب کردن و خرج بنا کردن مجدد آن نشوند. نظر پرفسور گدار درباره اینکه مسجد یزدخواست، بین راه اصفهان - شیراز، یک چهارطاق ساسانی بوده و با ایجاد محراب و منبر به صورت مسجد درآمده است^{۸۹}، دلیل بارزی در این مورد می باشد.

نتیجه:

- ۱ - در مساجد ایران دسته ای به عنوان «مساجد دارای نقشه سبک بدوی عرب» وجود ندارد و اگر منظور نقشه مساجد ستوندار و رواق دار باشد این نقشه در بناهای قبل از اسلام ایران بکار رفته و اولین مسجد ستوندار و رواقدار نیز توسط معماران ایرانی و در قلمرو سیاسی و هنری ساسانی ساخته شده است.
- ۲ - مساجد ستوندار و رواقدار دسته ای منفک از سایر مساجد ایرانی نیست بلکه در تداوم و تحول و تکامل معماری ایرانی وارد و سهیم است.
- ۳ - محراب و منبر و مناره ابداع یا دهش اعراب به ایران نیست بلکه هر سه عنصر در ایران قبل از اسلام بکار رفته و در دوران اسلامی با قیافه و عنوان اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.
- ۴ - دلیلی بر اینکه مسلمانان معابد ایرانی را خراب کرده اند وجود ندارد. این معابد برای هدفهای مذهب قدیم حفظ شده و یا مورد استفاده در مذهب جدید آنان قرار گرفته است.

چهارطاق می گذاردند و این گونه چهارطاقها، هم از جنبه مذهبی مورد توجه بود و هم برای راهنمایی رهگذران و کاروانیان، که شب مسافرت می کردند، بکار می رفت^{۸۱}. در میان ویرانه های فیروزآباد، منسوب به آغاز دوره ساسانی، چهاروجهی بزرگ و بلندی از سنگ و گچ وجود دارد که بلندی آن حدود سی متر و طول هر ضلع قاعده آن ۱۱ متر بوده و یکی از عناصر مجموعه ساختمان آتشکده فیروزآباد بشمار میرفته است. از خارج این برج چهاروجهی پلکان وسیعی بطور مارپیچ به قلعه آن صعود می کرده و از این پلکان برای روشن کردن آتش برفراز برج استفاده میشده است^{۸۲}. وقتی این برج را در کنار مناره های مسجد سامرا و مسجد ابودلف، واقع در بین النهرین و منسوب به قرن سوم هجری بگذاریم چون برادر بزرگ آن دوجلوه خواهد کرد (شکل ۲۳) با این تفاوت که شکل کلی برج فیروزآباد هرمی و شکل کلی دو مناره سامرا و ابودلف مخروطی است.

و اما راجع به نوشته استاد محترم علی نقی وزیری: «در سه قرن اول عهد اسلامی، مسلمانان ایران چهارطاقی و معابد منضم به آن را خراب کرده بجای آن مساجدی شبیه به مسجد مدینه بنا نمودند» می باید یاد آور شد که ایشان معابد خراب شده و مساجد بنا نشده را نام نبرده و دلیل روشنی بر این روبره ایرانیان مسلمان ذکر نکرده اند و به عکس نوشته ایشان دلایلی تاریخی وجود دارد که ایرانیان در حفظ موارث ملی خود کوشا بوده اند و پس از ظهور اسلام نیز بناهایی برای مذهب قدیم ایرانی ساخته اند:

۱ - به موجب نوشته استخری (قرن چهارم هجری) قلعه الحیز، نزدیک ارجان در جنوب ایران، یک مرکز مذهبی را تشکیل میداده است و ساکنین آن مأمور حفظ نقوش برجسته منطقه پیشاپور بوده اند^{۸۳}.

۲ - به موجب نوشته مسعودی (قرن چهارم هجری) پارسیان دارای معابد زیادی در فارس، سیستان، کرمان، خراسان، طبرستان، جبال و آذربایجان بوده اند و در خوزستان یک معبد تا خلافت هارون الرشید (۱۹۳ - ۱۶۹ هجری) مورد استفاده بوده است^{۸۴}.

۳ - به موجب نوشته ابن خردادبه (قرن سوم هجری) یک آتشکده در شیز، فعلاً تخت سلیمان، واقع در آذربایجان وجود داشته است^{۸۵}.

۴ - مقدسی (قرن چهارم هجری) به یک معبد زردشتی وارد شده و سؤالاتی از زردشتیان درباره مسائل مذهبی بعمل آورده است^{۸۶}.

مسلمانان ایران نیز به سنتهای هنری آبا و اجدادی خود علاقه مند بوده اند و بطوریکه گذشت در بنای مساجد این علاقه مندی خود را نشان داده اند بخصوص که اعراب در انتخاب محل و شکل

۸۰ - جلد دوم تاریخ عمومی هنرهای مصور، تهران ۱۳۴۰،

ص ۲۱۶.

۸۱ - جزوه شماره ۳ هنرهای تزئینی و بناهای تاریخی ایران از آغاز

اسلام تا پایان عهد قاجاریه، نوشته سید محمد تقی مصطفوی، ۱۳۴۴،

ص ۱۲۹.

G. Marçais, l'art Musulman, 1962, p. 31. - ۸۲

M. Wiet, Mémoires de l'Institut d'Égypte, - ۸۳

T. 52, le Caire, 1947, p. 130 - 186.

Idem. Mémoires de l'Institut d'Égypte, - ۸۴ تا ۸۶

p. 130-136.

۸۷ - تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز ۱۳۴۴، ص ۱۵۰.

۸۸ - ایضاً تاریخ عرب، ص ۳۳۵.

A. Godard, l'art de l'Iran, paris, 1962, p. 339. - ۸۹